



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۰۰	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۰۰
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جله یکشنبه ۲ تیر ماه ۱۳۰۸ مطابق ۱۵ محرم الحرام ۱۳۴۸	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبعه مجلس	قیمت اشتراک داخله ایران سالانه ده تومان خارجی ، دوازده تومان قیمت تک شماره یک قران

جلسه ۵۵

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس * یکشنبه ۲ تیر ماه ۱۳۰۸ (۱۵ محرم ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) تصویب دو فقره مرخصی
- (۳) شور دوم لایحه مرور زمان و تصویب آن
- (۴) تقدیم لایحه راجع بمحصلین اعزامی
- (۵) تقدیم لایحه اعزام محصل برای فراگرفتن فنون راه آهن
- (۶) شور اول عهد نامه ایران و فرانسه
- (۷) ختم جلسه و موقع جلسه بعد

مجلس دو ساعت قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل کردید

(۱) تصویب صورت مجلس

صورت مجلس سه شنبه ۲۱ خرداد ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * *
 رئیس - در صورت مجلس معلوم میشود نظری نیست ؟ (۲) تصویب دو فقره مرخصی
 (اظهاری نشد)
 دو فقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد قرائت میشود

* عین مذاکرات مشروح پنجاه و پنجمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه باستانای مذاکرات قبل از دستور (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)
 دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است . غائبین با اجازه آقایان : حیدری - نوخت - رهبری - عبدالحسین خان دیبا - آشتیانی - آصف - اعظم زنگنه - لرستانی - کازرونی - مصدق جهانشاهی - آقایان .. شبرازی .. اورنگ - میرزا یانس .. لطیفانی و کیلی .. حاج سید محمود .. مهدوی - ارباب کیخسرو
 غائبین بی اجازه آقایان : میرزا حسنخان وثوق .. دکتر امیر اعلم .. عمادی .. قوام .. حاج رحیم آقا .. میرزا ابوالفضل حاج حسین آقا مهدوی .. شیخ علی مدرس .. حاج حسن آقا ملک .. حاج غلامحسین ملک .. تیدورناش
 دیر آمدگان بی اجازه آقایان : زوار - پوشهری - شریعت زاده - اسدی - حکمت - مسعودی

(شرح ذیل خوانده شد)

نماینده محترم آقای دکتر امیر اعلم بواسطه اشتغال به خدمات مهمی که در اواسط زلزله دیدگان داشتند از حضور در جلسات معذور از ۲۲ اردی بهشت تقاضای ۳۴ روز مرخصی نموده کمیسیون تقاضای معزی الیه را تصویب و اینک خبر آن تقدیم میگردد.

مخبر کمیسیون سید مرثی و ثوق

رئیس - آقای دکتر سنک

دکتر سنک - موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - موافقم چون راجع به زلزله زدگان زحمت کشیده اند.

رئیس - موافقین با این مرخصی قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر قرائت میشود
نماینده محترم آقای عمادی بواسطه ادامه کسالت و عدم قدرت به حرکت تقاضای بیکه مرخصی از ۱۴ خرداد نموده کمیسیون تقاضای معزی الیه را تصویب و اینک خبر آن تقدیم میگردد
مخبر کمیسیون سید مرثی و ثوق

رئیس - آقای دکتر سنک

دکتر سنک - موافقم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

رئیس - مخالفی ندارد؟

فیروز آبادی - بنده مخالف

رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - عرض کنم ایشان مرخصند بنده هم

تصدیق میکنم ولی بنده به عقیده خودم لازم نمیدانم که هرکس مریض شد مخارجش به عهده ملت باشد خودشان از پولی که سابقاً از مجلس اخذ کرده اند صرف مریشان بکنند تا خوب شوند و بیایند و اگر این پول طوری بود که لافل آصفش دو مرتبه بر گشت میکرد به خود ملت بنده مضایقه نداشتم موافقت کنم ولی می بینم که این دلیل شده است بر اینکه هرکس مریض شد حقوقش از ملت گرفته شود و ایشان هم دفعه اول مرخصی شان نیست و گمان میکنم تا کنون در این دوره سه مرتبه یا چهار مرتبه مرخصی گرفته اند به این ملاحظه بنده مخالفم
مریضند باشند الحمدلله همه ملت ما مریضند.

رئیس - آقای دکتر سنک

دکتر سنک - بنده دیگر زدیك است یقین کنم که مخالفت آقای فیروز آبادی از امور عادی است مثلاً همانطور که آقا میخواهند همانطور هم میخواهند مخالفت کنند. همه میدانند که حضرت آقای عمادی کسل هستند (جمعی از نمایندگان - صحیح است) مریض میباشند. و اگر میتوانستند به مجلس بیایند بزرگترین افتخار ایشان این بود که بیایند اینجا ومشغول خدمت باشند و حالا نهایت ناسف ایشان این است که نمیتوانند به مجلس بیایند چرا آقا اینطور مخالفت میکنید؟

فیروز آبادی - حقوق در مقابل عمل است.

رئیس - رأی گرفته میشود به مرخصی آقای عمادی موافقین قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر کمیسیون قوانین عدلیه شور نانی راجع به قانون مرور زمان اموال منقوله مطرح است. خبر قرائت میشود

۳) شور دوم قانون مرور زمان راجع به اموال

منقوله و تصویب آن

خبر از کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس مقدس شورای ملی پیشنهاد های واصله آقایان نمایندگان محترم در ضمن

شور اول لایحه راجع به مرور زمان اموال منقوله و مواد اصلاحی پیشنهادی آقای وزیر عدلیه در کمیسیون مورد شور ومطالعه واقع با مذاکرات مفصلی که در اطراف هریک از پیشنهاد ها و مواد مربوطه بعمل آمد بالاخره مواد ده گانه ذیل تصویب و اینک برای شور نانی بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

ماده اول - در دعای راجع به حقوقی که با قساطر ماهیانه یا کمتر از یکماه تأدیبه میشود باستثناء مال الاجاره و مال الصالح راجع به منافع اموال غیر منقول و همچنین در دعای راجع به قیمت یا حقی که بنا بر عرف و عادت فوراً یا در مدت کسی پرداخت میگردد از قبیل قیمت خوراک و منزل در میهمانخانه حق العلاج طبیب و حق الوکاله و امثال آن مدت مرور زمان سه سال است

رئیس - ماده اول مطرح است. آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده مخالفتی که دارم به این نظر است که حقوق کسی ضایع نشود و الا نظریه که آقای وزیر عدلیه دارند از يك جهة تقدیس میکنم که دعای نا اندازه کم میشود و مردم عقب کار میروند و هر کسی هر روز يك کاغذ پاره را وسیله و بهانه برای خودش قرار نمیدهد که اسباب زحمت بشود این را بنده خودم صدق میکنم اما از آنطرف هم تصدیق بفرمائید که این قانون مرور زمان اگر آن خوبی را دارد باعث تضییع بسیاری از حقوق میشود که ذکر فرد فرد آن لزومی ندارد. خود آقای وزیر هم در نظرشان هست. بنده نمیتوانم موافقت کنم (زوار - دلیلش را بفرمائید) بلکه عقیده ام این است همانطور که در شرع ما هست حقوق هر کس بجای خودش باشد. اما در شرع قانونی هم دارد که هر کس بر اداء حقوق مردم مسامحه کند مجازات هائی تعیین شده و قبیل اینکه اگر ضرر بزند از عهده ضرر بر آید اگر مسامحه کرد حبس شود چه بشود این قوانین هست و باید اگر این قوانین در مقابل اداء حقوق مردم اجرا شود دیگر کسی مسامحه و ملاحظه نمی کند و حقوق هر

کسی در موقع خودش اداء میشود چیزیکه هست چون به مجازات هائی که در شرع هست تا بحال عمل نشده از این جهت مردم در اداء حقوق غیر مسامحه و ملاحظه میکنند و اسباب تضییع حقوق غیر میشود. بنده عقیده خودم را سابقاً هم عرض کرده ام حالا هم عرض میکنم که برای هر حقی که ثابت شد وقتی مجازات قرار داده شد برای متخلف از آن دیگر کسی جرئت نمی کند حق کسی را تاخیر بیندازد به این ملاحظه بنده با این قانون مرور زمان با این ترتیب مخالفم و عقیده ام این است که همان مجازات هائی که در اسلام هست همانها را اجرا کنند اگر کسی حق کسی را تاخیر انداخت، کسی منکر شد، کسی نداد، آنوقت ما متوسل بسایر قوانین بشویم. وزیر عدلیه - بنده گمان نمیکم لازم باشد مذاکرانی که در جلسه قبل در اینموضوع شده است تکرار بکنم همانطوری که نماینده محترم هم بطور اجمال فرمایشاتی کردند و اشاره کردند به مذاکرات قبل و يك عقیده دارند که اساساً مخالفند و چون نخواستند وارد جزئیاتش بشوند بنده هم لازم نمیدانم بطور تفصیل جواب عرض کنم و مختصر بطور اجمال جواب عرض میکنم. میفرمایند قانون مرور زمان تضییع میکند حق اشخاص را بنده تصور نمیکم بطور کلی بتوان این حرف را راجع به قانون مرور زمان زد قانون مرور زمان تکلیف معین میکند برای اشخاصی که خود شن را دارای يك حقی میدانند که در يك مدت معینی بروند دعوی خودشان را اقامه کنند و بعدلیه بدهند و اگر اشخاص خودشان نخواستند بروند حق خودشان را مطالبه کنند دیگر تقصیر با قانون نیست به آنها میگویند که شما فلان مدت باید بروید و حق خودتان را بگیرید مثل اینکه در تمام قضایای زندگانی که نگاه کنید برای چیزی يك مدنی معین شده است که باید در يك موقعی يك کار را بکنند يك زمینی را که شما میخواهید ازش فایده بگیرید و حاصل بردارید ترتیبی که نسبت به آن میشود اقداماتی که میشود در يك مواقع معینی است اگر در آن مواقع کار نکرده آبیاری نکرده، شخم نکرده، طبیعت به شما

حصول نمیدهد در اینصورت اگر شما زرقید و آبیاری نکردید و شخم نکردید طبیعت حق شما را از بین برده است؟ خیر شما کار نکردید. این قانون هم میگوید دعوی را در يك مدت معینی باید رفت و اقامه کرد و اگر در آن مدت معین نیامدند ما دیگر نمیتوانیم رسیدگی کنیم پس غفلت یا قصور یا هرچه هست از آن کسی است که خودش را دارای حقی میداند و در مدت قانونی دنبال کار خودش زفته است. از طرفی هم عرض کردم باز هم تکرار میکنم برای اینکه این مسئله ممکن است يك روزی مورد احتیاج محاکم باشد و این توضیحاتی که بنده اینجا میدهم بایستی روشن بکند قضایا را. قانون مرور زمان نمیگوید که اگر کسی گذاشت و مدت مرور زمان گذشت و بده کار آمد و پول او را به او داد يك پول مفتی به او داده است و آنوقت آن شخص بیاید بگوید من بیخورد این پول را به حساب نو گذاشته بودم و بیخورد این پول را بشما برگردانیده بودم برای اینکه شما حق مطالبه نداشتید اینطور نیست. قانون مرور زمان منحصرأ میگوید مادستگاه قضائی دولت نمیتوانیم بیائیم به يك دعوی که مردم گذاشته اند يك مدت زیادی از آن گذشته است رسیدگی کنیم اگر میخواهید زود تر بیایید و البته این را هم بنده ضمناً تصدیق میکنم که هر قانونی ممکن است جنبه های بدی هم داشته باشد. ممکن است. شاید بگفندی ملازم است. هر قانونی قطعاً يك جنبه بدی دارد که ممکن است اسباب زحمت يك عده بشود باید جمع و خرج کرد و این مسئله در همه جا به نجره رسیده است و گمان میکنم در اینجا هم عقیده اکثریت آقایان این باشد که قانون مرور زمان را وقتی جمع و خرج کنیم نفعش بیشتر از ضررش است این است که خیال میکنم آقایان در این خصوص موافقت بفرمایند که زود تر وارد مواد شویم و اگر پیشنهاداتی هست در ضمن مواد بفرمایند.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرض کنم يك اصولی معمول و متداول

در مملکت ما هست

بعضی از نمایندگان - بلند تر. بلند تر.

کازرونی - يك اصول معمول متداولی که در مملکت مجری بوده و هست حالا تغییرش باید البته ناشی از يك احتیاج مبرم مفروض محسوس باشد. بنده البته این اطلاع کافی و واقعی را ندارم که ادعا کنم بطور قطع و یقین آن احتیاج مبرم وجود ندارد (عدل - چرا ندارد) شاید اشخاصی که متصدی امور و مشاغل عمده هستند احساس کرده باشند لیکن بنده احساس نکرده ام و گمان میکنم آن احتیاج مبرم مفروض برای تغییر وضعیت جاریه وجود نداشته باشد. قانون مرور زمان البته به يك لحاظ و به يك جهتی دیده میشود که خالی از فائده نیست مثل اینکه هیچ امری در دنیا نیست که يك جهت حسنی و يك جهت نقصی درش نباشد البته این قانون هم جهت حسن دارد ولی باید جهت نقصش را هم در نظر گرفت و با رعایت طرفین قضیه را حل کرد. قانون کذاری بایستی از روی نهایت دقت و رعایت افکار و عادات و اخلاق جامعه باشد. بنده همینقدر عرض میکنم که بایستی این قانون دقیقاً در تحت دقت و نظر کسانی که حقیقه يك آشنائی نام کاملی به عادات و اخلاق دارند قرار بگیرد که بعد اسباب ندامت نشود. آقای وزیر محترم فرمودند که به ارباب طلب گفته میشود که بایستی در این مدت معین بیاورید و ادعای طلبتان را بکنید اگر چنانچه مردم ایران کاملاً آشنا به قانون و معنادار در نظر گرفتن قوانین بودند البته این فرمایش آقایان که به جا و موقوم بود لیکن در مملکتی که حتی برجسته ترین مردم آشنا به قوانینی که طرف احتیاج خودشان باین نیستند به چه وسیله به مردم واقف مملکت و بدهانها و دهاقین و به مردمی که از شهر ها و ولایات و نواح دور هستند و هیچ خبری از قوانین ندارند گفته شود که اگر در این مدت معین نیامدی و ادعای طلبت را نکرده حق تو از میان خواهد رفت اگر این وسیله موجود بشود بنده هم البته با نهایت مبل مفروضی که برفق دعوی

از بین مردم داشتیم موافقت میکردم حالا بنده آرزو دارم که آقای وزیر محترم يك توضیح بیشتری بدهند که آن وسیله که برای آگاهی جامعه و افراد مردم بی اطلاع از همه چیز در نظر گرفته اند چه چیز است این را بگویند که اسباب تأمین خاطر بنده بشود که بالنتیجه اسباب تضییع حقوق مردم نشده باشد وزیر عدلیه - دلیل مهم نماینده محترم در اینجا بنظر بنده عدم اطلاع مردم بود یعنی پایه استدلالشان روی مرفقه می آمد روی عدم اطلاع مردم از قوانین و اینکه ممکن است مردم توجه نداشته باشند باین قانون که میگذرد و حقشان از بین برود بنده هم تصدیق میکنم که در بعضی موارد این اشکال پیش خواهد آمد یعنی بعضی اشخاص بواسطه عدم اطلاع به قانون ممکن است آن مدت بگذرد و حق خودشان را مطالبه نکنند و بعد روزیکه عرض حال دادند بآنها گفته میشود که مرور زمان جاری شده است و دیگر شما حق مطالبه ندارید ولی آیا توجه باین مسئله فرموده اند که عدم اطلاع مردم منحصر به این قانون نیست؟ عدم اطلاع مردم را در تمام معاملاتی که روزانه میکنند اگر در نظر گرفته شود باید هیچ قانونی نگذاشت برای اینکه تنها ز این قانون بی اطلاع نیستند قوانین دیگر هم که راجع به معاملات است - مردم نمیدانند (بعضی از نمایندگان صحیح است) بالاخره هر وقت دواقر یکی با اطلاع و یکی بی اطلاع معامله زدند قضیه به نفع شخص با اطلاع تمام شده است. این معاملاتی که در قضایای تجارنی و معاملات جاری حقوقی میشود شما تصور میفرمائید که مردم مطلع هستند اگر فلان شرط را در قبالة بنویسند یا ننویسند برای آنها چه تفاوتی دارد؟ اغلب مردم مطلع نیستند و بعد که موقع دعوی میرسد میبینیم يك آدم زرنگتر با اطلاع (تصدیق دارم که بی الصافی شده است) آمده است از عدم اطلاع دیگری سوء استفاده کرده است. خوب اگر ما میخواهیم عدم اطلاع را دلیل این قرار بدهیم که نباید قانون بگذرانیم باید دید آیا تنها قانون مرور زمان را نباید بگذرانیم.

باید هیچ قانونی نباید بگذرانیم ما بنا بر این در این ابانکه بنده هم تصدیق میکنم همانطور که فرمودند ممکن است بعضی اوقات چنین قضیه پیش بیاید این دلیل را در مقابل دلیل آقایان عرض کردم میخوانم يك چیز هم در مقابل نگرانی آقایان عرض کنم که يك قدری نگرانی آقا کمتر بشود. وقتی بنا شد مردم که داخل معامله هستند و اغلب اهل دعوی هستند کارشان به دعوی کشید آنها هم البته در این مملکت هستند وقتی که پنج مورد شنیده شد که وقتی رفته است مطالبه حقش را بکنند به او گفته اند مرور زمان جاری شده و به حرف او گوش نداده اند دیگران هم یاد میگیرند و بهمان اندازه که سایر قوانین را یاد گرفته اند این را هم یاد میگیرند و با اینکه ممکن است در يك موارد خیلی کمی يك اشخاصی از عدم اطلاع خودشان راجع به مرور زمان ضرر ببرند با این حال نمیشود يك منافع کلی را از بین برد. تصدیق میفرمائید که پول کاغذی خیلی معاملات را سهل میکند خوب حالا ممکن است آنطرف قضیه را هم در نظر گرفت که خطر هم دارد ممکن است آتش بگیرد ولی پول نقره که آتش نمیگیرد زود کم میشود خوب برای اینکه در يك مواردی يك مقدار پول مردم کم میشود باید بگوئیم پول کاغذی نباشد؟ خیر. پول کاغذی يك فوائده زیادی دارد در مقابل هم يك خطرانی دارد بنده تصور میکنم با این مدتی که در اینجا مخصوصاً گذاشته شده است نسبت به دعوی گذشته و با اینکه بنده هم در ضمن قول میدهم که در انتشار این قانون خیلی زیاد اقدام بکنیم که اغلب نقاط مملکت اطلاع پیدا کنند مکرر در مکرر در جرائد اعلان بکنند با این احتیاط ها و این اقدامات تصور می کنم دیگر برای آقا نگرانی زیادی نباشد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موضوعی را که آقای کازرونی بیان کردند آقای وزیر عدلیه با آن عام و منطقی که داشتند خلط موضوع کردند. اصل موضوع این است آقای کازرونی میگویند چون جاهل هستند (نه اینکه قانون

وضع نکنیم - خیر) باید رعایت کنیم و نوعی قانون وضع کنیم که مردم مطلع باشند و حقوقشان از بین نرود. مثلاً حالا لایحه هست برای آبله کوبی بکفمه میگویند که باید در تمام مملکت آبله کوبی بشود. بنده میگویم اول باید پست آبله کوبی در تمام مملکت ایجاد کنند بعد بگویند آبله کوبی بشود...

کلای - صحیح است.

زوار - صحیح نیست.

آقا سید یعقوب - در اینجا هم بنده عقیده ام این بود شاید هم در آخر ماده هم بیاید که دولت و وزارت عدلیه اعلان کنند بتمام حوزه های عدلیه که هست و مردم را مستحضر کنند و مطلع کنند که قانون مرور زمان خواهد آمد که مردم مستحضر باشند و در این بین ضرری به مردم وارد نشود. شما میفرمائید اگر این کار را بکنند يك انقلابی واقع میشود يك دعای واقع میشود خوب واقع شود بعد هم که این قانون بیاید بکلی این دعای از بین میرود و مقصود این است که از ابتدا بدون اطلاع مردم ما نیائیم يك قانون مرور زمانی وضع کنیم بدون اینکه مردم مستحضر باشند و بفرمایش خودشان يك اشخاص زرتکی هستند؟ و يك چیزهایی واقع میشود که باعث تضییع حقوق مردم است نظر آقای کاررونی این بوده است که از الان مستحضر کنیم مردم را. این یکی مسئله دیگر این است که حالا بنده و آقای ملک آرائی هم پیشنهاد خواهیم کرد خودتان هم در اینجا بیان کردید و بنده خیلی امتنان دارم که شما حقیقه از حق و واقع تجاوز نمیکنید میگوئید مرور زمان مملکت نیست یعنی مرور زمان که واقع شد کسی که حق کسی را نداده است مالك نمیکنند که اگر بعد از مرور زمان آمد پولش را داد پس بگیرد خیر بعد از مرور زمان هم باید پولش را بدهد و نفس مرور زمان مملکت نیست و گفته نشود که ادارات قضائی ما به این اندازه بیشتر نمیتواند وارد شود بنده عرض میکنم که این فلسفه بود که در دوره ششم

گفته شد و آن برای این بود که چهل سال باشد اما شما آمده اید بعد بد کرده اید به سه سال و ده سال و تصدیق بکنید که ادارات عدلیه ما بیشتر از ده سال و پانزده سال و بیست سال میتوانند رسیدگی کنند. اگر شما آمده بودید مرور زمان نسبت به اموال منقول را بیست سال و بیست و پنج سال قرار داده بودید بنده میتوانستم موافقت کنم که چون ادارات ما نمیتوانند به اسناد زائد بر بیست و پنج سال و زائد بر بیست سال را رسیدگی کنند چون انقلابات بوده است. مرض ها بوده است. مردم از بین رفته اند. اما ده سال کم است يك زمان خیلی قلبی است شما اگر موافقت کنید مدت ده سال را پانزده سال یا بیست سال بکنند که بقدر امکان نزدیکتر به عدالت و احقاق حق باشد بهتر است آنوقت باز ما همان عقیده مان را هر دو داریم که این شرعاً بری الضمه نمیشود و مرور زمان در مملکت نیست فقط ادارات قضائی ما حکم نمیدهند نه اینکه مالك باشد آنوقت بنده هم موافقت میکنم و الا سه سال و ده سال خیلی کم است و مخالف من از این حیث است.

وزیر عدلیه - لطف شخصی آقای آقا سید یعقوب با بنده بقدری زیاد است که ولو نسبت خلط مبحث هم بمن بدهند بنده هیچ عرضی نمیکنم ولی در اصل قضیه بنده موافق هستم با آقایان که باید عمل کرد و مردم را مستحضر کرد و مکرر هم عرض کردم و مخصوصاً بعد از مذاکرات آقایان مصمم شدم که شبیه به آن کاری که برای ثبت اسناد داریم که در حوزه اطلاع میدهند و عده را خبر می کنند و دعوت میکنند به تمام ترتیب راجع به این موضوع هم در تمام نقاط اقدام کنیم که عدلیه ها مأمور باشند این را اعلان کنند و برای تمام دهات و کدخداهای بنظرستند که مردم مطلع شوند و دو سال هم برای اینکار وقت دارند راجع بگذشت و این مدت کافی است و باعث تکرانی نخواهد بود که واقعاً يك مرتبه يك اشخاص بیچاره بدون اطلاع مطلع شوند که وقتشان گذشته است و کسی گوش بچرفشان

نمیدهد. اما راجع به پیشنهادی که اشاره فرمودند گرچه بنده تصور نمیکنم که آن پیشنهاد لازم باشد راجع باین قانونی که اینجا گذاشتیم بجهت اینکه ما میگوئیم دعای پذیرفته نمیشود نه اینکه اگر یکی بعد از مدت مرور زمان خودش پول را داد و در حسابش گذاشت بعد نباید بگیرد بیهود داده ام و باید برگردانی ولی مع هذا با وجودیکه قانون جای همچو زبیدی را ندارد و با وجود توضیحاتی که بنده دادم اگر آقایان لازم میدانند ممکن است آن پیشنهاد را بدهند بنده هم به بنده و با اصل آنهم موافقت کنم. اما راجع بعدت بنده هنوز هم مردد هستم یعنی هنوز باقی میمانم در سر همان مدت هائی که پیشنهاد کرده ام و اکثریت کبسیونهم قبول کرده است یعنی سه سال و ده سال برای اینکه اگر بعضی از دعای هست که پانزده سال و ده سال برایش کم است بعضی دعای دیگر هم هست که واقفاً سه سال برایش زیاد است مثل پول سلمانی که سه سال ازش بگذرد و بیاید مطالبه کند که بعد از سه سال بیاید پولش را بدهد. یا پول چای که در قهوه خانه خورده شده است. غرض این است که این را باید نگاه کرد که ما شقوق مختلف را باید در نظر بگیریم که اسباب اشکال نشود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - آقای وزیر عدلیه فرمایشی فرمودند بنده عرض نکردم که خلط مبحث کردید بنده مطلب آقای کاررونی را گفتم. و الا بنده حقیقه فوق العاده شما معتقد و مطمئن هستم که حضرت عالی بقدر امکان در راه عدالت مملکت داربند کار می کنید و زحمت می کشید. اما راجع باصل موضوع بنده مکرر چه در کبسیون و چه در پشت همین تریبون خدمت نان عرض کرده ام که حق قضائی را که بحسب قوانین شرعیه معین شده اند هیچوقت آنها مکلف نیستند که احراز واقع را بکنند. بجهت اینکه ما اخباری داریم که بیفهمبر میفرماید که ما حکم میکنیم بین شما باقاعه بنده و با حکم می کنیم به قسم اما دیگر توابع حکم می کنیم ابتدا اینچور نیست در واقع قضاوت از برای فصل خصومت است بعضی قضاوتها را بنده نمی توانم بگویم که بعدا که حقیقت میرسد لیکن بقدر امکان هم ما نباید اینرا از دست بدهیم. این يك موضوعی است که باید در آن سعی و دقت کرد موضوع دیگر این است که باید مالکیت شخص را هم در نظر داشت. تمام ارباب دیبانی که در دنیا هستند و آنهایی که دارای دیبانت هستند (حالا طرق دیبانت شان مختلف است) ولی مالکیت شخص را همه قائل اند ارباب دیبانت و کسانی که پای شان بيك جانی بند است و عقیده دارند بمالکیت و مالکیت شخص را محترم میدانند و بيك امور جزئی مالکیت شخصی را متزلزل نمی کنند - همینطور در شریعت مقدسه ما بقدری در مسئله مالکیت شخصی اهمیت داده است که اگر کسی برای حفظ مال خودش دفاع کند و فداکاری کند اگر گفته بشود شهید شده است

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رای میگیریم بماده اول آقایانی که موافقت بام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

چرا؟ چون برای اثبات مالکیت شخصی خودش فداکاری کرده است. پس بدانید که دین قوم اسلام مالکیت را باین اندازه محترم داشته است و خوبی شکرگذاری است از برای ملکی که دارای این اصول مذهبی باشد پس مالکیت شخصی در دینات مقدسه ما و در اصول مذهب ما و در قانون اساسی ما محترم است و کاملاً مورد تقدیس است و باید آن را محترم داشت و ما هم باید بقدر امکان طوری راه برویم که مالکیت را از بین نبریم و او اینکه از بین هم نبرد (بنده نمیخواهم بگویم که این قانون از بین میبرد خبر) ولی بقدر امکان ما باید در هر کجا که مورد شک و تردید واقع میشود اصل مالکیت شخصی را اصل قرار بدهیم و آن را رعایت کنیم و امور عارضی را فرع قرار بدهیم نه اصل. بنده عرض میکنم که اگر ما بیاییم مدت مرور زمان را پانزده سال نسبت باینها قرار بدهیم بهتر است خوب حالا بیست سال را میگیریم از برای قضاوت زحمت است که بتوانند فصل خصومت بکنند ولی نسبت ۱۵ سال تصدیق میکنید که اولاً مدارک و براهین ۱۵ ساله را تماماً ممکن است محکمه آورد و ارائه داد و این یک چیز مشکلی نیست که بیک دعوی ۱۵ ساله رسیدگی بکنند و حکم بدهند پانزده سال مدتی نیست اینقدر طولانی نیست این چه اشکالی دارد؟ ما باید بقدر امکان این اصل را که اصل مالکیت شخصی است محفوظ بداریم بقیناً ده سال و پانزده سال هیچ فرق زیادی ندارد پنج سال فرقی است و برای این پنجسال خیلی از اموال و مالکیت شخصی مردم از بین میبرد و خوب نیست برای پنجسال مرور زمان ما مالکیت را از بین ببریم در صورتیکه عرض کردم نسبت به ۱۵ سال خوب میشود در محاکم باسناد و مدارک و براهین و امارات دعوی رسیدگی کرد و حکم داد مدت طولانی نیست وقضات خوب میتوانند قضاوت و رسیدگی کنند و اگر ما این پنجسال را هم اضافه کنیم و پانزده سال بکنیم بقیناً و مسلماً در این ۵ سال اضافه بیشتر و بهتر میتوانیم مالکیت شخصی را که اصل است حفظ کنیم و در پانزده سال

بیشتر و بهتر مالکیت محفوظ میشود نادرده سال. و همانطور که بارها در کمیسیون خدمتتان عرض کردم عقیده بنده این نیست که بقدر امکان ما باید اصل مالکیت شخصی را حفظ کنیم چون اصل مالکیت شخصی نیست و مرور زمان امر عرضی است و در مواقع اضطرار باید متوسل بان شد. بنده عرض میکنم در ۱۵ سال چه اضطراری هست؟ تا ۱۵ سال را خوب میتوانند رسیدگی کنند و خوب است برای اینها ده سال را پانزده سال کنند چون عرض کردم در این پنجسال اضافه اصل مالکیت شخصی بیشتر حفظ میشود در کمیسیون هم این عرایض را خدمت آقای شریعت زاده و سایر آقایان کردم. آقایان رفقا بودند گفتیم این عقیده بنده است و پیشنهاد میکنم که تا این اندازه که ما میتوانیم بیشتر اصل مالکیت شخصی را حفظ کنیم و غالب قوانین ملل متمدنه هم تا این اندازه را مراعات کرده اند و یکدفعه نیامده اند که سه سال و ده سال محدودش کنند. خوب این صاحب حق چه بکند و کجا برود عرضش را بکند. ما دیگر محکمه نداریم که رود عرضش را بکند همه جادوش را بستیم و منجم کردیم بوزارت عدلیه پس او راه دیگری ندارد و نمی تواند که او راه دیگری ندارد باید حق الامتکاف را برای او تسهیل کنیم تا احراز واقع بقدر مقدور بشود و بحق خود برسد این بود عرایض بنده

شریعت زاده بخیر کمیسریون - مطالبی را که آقای نماینده محترم فرمودند قسمت مهمش مورد اختلاف نیست فرمودند که باید در قضاوت سعی کرد که عادلانه اختلافان مرتفع شود. این البته صحیح است هم دولت و هم مجلس این نظر را دارند. همچنین فرمودند که مالکیت نسبی را آقای محترم می دانند این البته یک اصل صحیح است که هر کس مالک هر چیزی باشد قوانین مخصوصاً قانون اساسی ایران اصل مالکیت شخصی او را همیشه رعایت میبازد (صحیح است) صحبت سر این است وقتیکه بنا شد ما معتقد باشیم که حق الامکان با مراعات عدل سعی کنیم که اختلافات بین جامعه کمتر بشود پس

اینصورت چه قسم قانونی با مراعات مقتضیات و عادات مملکت و اصلاحاتی که لازم است در نتیجه وضع قانون در این مملکت بعمل بیاید بعمل آید؟ بعقیده بنده در آنچه مذاکرات زیادی که آقا فرمودند اشکال شان این بود که بهتر این است ۱۰ سال را ۱۵ سال بکنیم. اگر باین قانون توجه می فرمودید برای دعوی که تاریخ تولدش قبل از وضع این قانون است سی سال مدت معین شده و اگر هم مدت مرور زمان سی سال از او گذشته باشد باز هم دو سال برایش وقت معین کرده ایم بنا بر این نسبت بدعوی که سابقاً تولید شده است آقا نباید نگرانی داشته باشند نسبت به بعد هم گفته میشود در دعوی منقول مطالبه طلب و دعوی که مستند بدیون یا اموال منقول و غیر منقول باشد در صورتیکه دعوی مالکیت و وقفیت نسبت بمال غیر منقول نباشد مدت مرور زمان ده سال است. بعد از آنکه آقا تصدیق فرمودند که برای فصل خصومت یک قانونی لازم است نسبت بدعوی که مردم نمی دانسته اند چه پیش بینی میشود سی سال قائل شده اند (این که بعقیده شما اشکالی ندارد) از امروز به بعد هم می خواهند نسبت بکسی که مدعی طلب است وقتی که یک سندی از کسی دارد ده سال معین نمایند بنده اگر تاریخ آن سندی که مطالبه میشود پیش از ده سال باشد آن را صلاح میدانم که پس از وضع این قانون از ده سال بیشتر مدت بدهیم و بنده این را موافق صلاح مردم میدانم. شما باید سعی کنید که اولاً نسبت بسابق اشکال از برای مردم تولید نشود ولی در آئیه که این قانون اعلان میشود و مردم همه می فهمند و دولت هم دائماً تشکیلات قضایی را در مملکت بسط میدهد دیگر چه نگرانی دارید؟ (صحیح است)

جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است

رئیس - ولی عده کافی نیست آقای کازرونی بفرمائید کازرونی - عرض کنم که بنده وزیر محترم عدلیه از خودم و بسیاری که نمی خواهم عرض کنم منصفتر

میدانم حقیقتش این است. زود تر هم ملتفت میشوند و منتقل میشوند و زود هم جواب میدهند. عرض کنم که آخر این قاضی عدلیه جناب عالی بچه دلیل ده سال را می تواند قضاوت کند ولی پانزده سال را نمی تواند؟ چنه فرق است بین دعوی که یک سال و دو سال و سه سال و ده سال بر آنها گذشته با پانزده سال گذشته؟ البته یک قوانینی هست که برطبق آن قوانین قاضی باسقی حکم بکنند خوب چه تفاوتی میکنند که این حق من یکساله باشد یا بیست ساله؟ اگر می تواند برایش مدلل بدارد و محسم بکنند که فیمابین یکسال و دو سال و ده سال و ۱۵ سال برای حکومت قاضی فرقی ندارد. اگر فرقی می کنند که بنده موافقت میکنم اگر هم فرقی نمی کنند پس برای چه این کار را می کنند؟ وجه نتیجه از این کار حاصل میشود؟ فرمودند ما این قانون را که گذرانیم اگر یک کسی بعد به طیب خاطر آمد و گفت با اینکه مرور زمان حق تو را اسقاط کرده است لکن چون تو حقی بر ذمه من داشتی من حالا بتو رد می کنم این عیبی ندارد بنده عرض میکنم اگر کسی پول مفت هم بهمین نیت و بهمین قصد و بهمین صیغه بکسی بدهد که نمیگیردش و حبشش هم نمی کند در دفترش هم می نویسد که فلانکس آمد و یک پول مفت و بجان من داد اما اگر چنانچه مردم حائز و دارای همچو مقامی شدند که دین خودشان را این قسم نادیده نمایند این که مرور زمان شامل حالش نمیشود یک همچو کسی هر وقت که دارا شد و غنی شد خودش دین خودش را می آورد و ادا می کند و قضاوت و محاکمه هم لازم ندارد عدلیه هم لازم ندارد در هر صورت غرض عرض بنده این است که باسقی رعایت عادات و اخلاق جامعه را در موقع وضع قوانین در نظر داشت اگر هم در این قانون این رعایت شده است که بسیار خوب و بنده عرضی ندارم اگر نشده است بنده عرض میکنم که رعایت این اصل مقدم بر هر چیز است بعقیده بنده و بعقیده خودشان وزیر عدلیه - علت اینکه بنده باز در این موضوع

وقت آقایان را بگیریم برای این است که میخواهم قضیه درست بحث بشود و واقعاً نماینده محترم و آقایان دیگر متقاعد شوند که این مسئله این طور نیست که حقیقتاً بشود گفت تضییع حق می کند (مگر در همان حدودی که هر قانونی می تواند تضییع حق بکند . در حدود عدم اطلاع مردم) بنده این جا در اول هم عرض کردم اگر کسی آمد و دین خودش را پرداخت بعد از گذشتن مدت مرور زمان این يك حق را داده است و این را نمیشود گفت يك پول مفتی را داده است و نمی تواند برگرداند . این مسئله همان کوچکی و سادگی که آقا گفتند نیست حالا بنده برابرتان مثال میزنم و بهتان عرض میکنم : اگر يك ناچری ۵ روز قبل از اینکه ورشکست شود یا ده روز قبل از ورشکستگی بیاید و يك پولی بلا عوض بدهد بيك کسی و بعد از قرائتی معلوم شود که این پولی را که این شخص داده است در صورتیکه خودش هم میدانسته است که ورشکست میشود . ولی برای اینکه طلب کاران دیگرش بمحشان نرسند این پول را داده است . این پول را میشود پس گرفت اما اگر يك ناچری آمد و يك پولی را که ده سال ۱۵ سال مرور زمان ازش گذشته و کسی از او طلب داشته است این پول را داد بعد خود او هم ورشکست شد البته هر بی تفسیه نمی تواند بیاید و بگیرد که شما می توانستید بمرور زمان استناد کنید و اقامه دعوی کنید بنا بر این باید پول را پس بگیرد خیر این پولی را که ناچر داده است حق آن شخص بوده و نمی توانند پس بگیرد اما در آن اولی چون حق کسی نبوده و می خواسته بطلب کاران خود ضرر بزند و نگذارد آنها بحق خود برسند لذا میشود آن را پس گرفت چون باعث ضرر يك عده میشد . این يك مثال . باز يك مثال نجارانی دیگر برای شما بزنم بنده بر میدارم صورت حساب مینویسم برای شما در ضمن مطالبات شما بر میدارم مینویسم که فلان مبلغ شما باید در فلان تاریخ از من بگیرد و نگرفته اید و مواعدش منقضی شده است بنا بر این شما نباید از من بگیرید مثلاً

مال بیست سال پیش از این بوده و در جزر صورت حسابتان بر میدارم و مینویسم جزو طلب های شما مذكلك يك کسی نمیکوید که آقا شما بی خود این طلب را دادید برای اینکه اگر این شخص می آمد واقعه دعوی میکرد نمیتوانست از شما بگیرد چون مرور زمان بر آن گذشته بود ولی بنده چون این را داده ام نمیتوانم از شما بگیرم چون يك حق بوده است مال آن آدم منتهی این طرف نخواسته است از مرور زمان استفاده کند و داده است دیگری نمیتواند پس بگیرد . پس آن چیزی که مرور زمان او را دربر میگیرد اقامه دعوی است در عدلیه در این صورت بنده تصور میکنم وقتی اساس اقامه دعوی در عدلیه شد بین ده سال و پانزده سال فرقی نباشد . راجع بگذشته که آمدیم و تمام احتیاطات لازمه را که باید بشود کردیم و مردم هم باید مسوق باشند ولی از این به بعد که این قانون تصویب می شود اگر بنده میدانم که بیاید تا ده سال یا پانزده سال دعوی را اقامه کنم و چون اقامه نکردم حقم از بین می رود یعنی حق اقامه دعوی ندارم این اطلاع را از کجا پیدا کرده ام ؟ خوب اگر میدانستم که چه فرقی است بین ده سال و پانزده سال ده سال را که مطلع بودم باید در همان مدت اقامه بکنم ده سال هم مدت کمی نیست و خیلی زیاد است مخصوصاً ترتیب انقطاعی که در قانون گذاشته شده است که با تقدم يك اظهار نامه مدت مرور زمان را قطع میکنند دیگر چه داعی دارد که بیائیم و باز مدت را زیاد تر کنیم از طرفی هم تصدیق می فرمائید که باید حق المقذور سعی کرد که از برای محاکم مقدمات کار را تسهیل نمود که زودتر دعوی حل و عقد بشود . از آن طرف باز تصدیق می فرمائید قطعاً تشخیص دادن يك دعوائی که چند روز پیش اتفاق افتاده دو سال پیش و ده سال پیش اتفاق افتاده این البته سهل تر است از يك دعوائی که خیلی مدت برش گذشته باشد از حیث دلائل و امارات خیلی آسان دارد و هر چه کمتر باشد مدت رسیدگی آن سهل تر است

پس وقتی این اصل را قبول کردید بنده تصور میکنم که بین ده سال و پانزده سال چندان فرقی نمیکند . کازرونی - بنده هم همین عرض را میکنم اگر اصل را قبول کردید فرقی نمی کند . جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - کافی است ؟ عده از نمایندگان - بلی . رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود (این قسم قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده دوم کلمه ده سال تبدیل به ۱۵ سال بشود . بعقوب الموسوی - ملک آرائی آقا سید یعقوب - يك موضوعی را خواستم آقای وزیر و همچنین حضرت آقای مخبر محترم توجه بفرمایند و جواب آن را بیان بفرمایند :

در جای احتمالی و در موردی که محل شبهه و محل احتمال باشد شخص عاقل و دانا همیشه ملاحظه احتیاط را می کند و از محل شبهه ناك و خطر ناك همیشه عاقل بقدر امکان دوری میکند که همیشه مرکز کار خودش را يك جائی که محل اطمینان است قرار میدهد و هر جا که محل اطمینان باشد (نه احتمال) متوجه آن محل میشود و بقدر امکان از محل خطر ناك و شبهه ناك دوری میکند بنده عرض میکنم درست است وقتی که اصل مرور زمان را ما قبول کردیم ده سال و پانزده سال فرقی نمی کنند ولی وقتی که شما اصل مالکیت و حق مالکیت را قبول می کنید بنده عرض میکنم که این حق و این اصل که مرکز است باید بیشتر و بهتر محفوظ بماند بنده عرض میکنم که در ۱۵ سال بیشتر احرار حق و واقف میشود تا در ده سال و ما می توانیم احتمال بدهیم که در عرض این مجال (بین ده سال و پانزده سال) يك حقی شاید باقی بماند و باید از این احتمال حق الامکان دوری و احتیاط کنیم و در صورتیکه ما این احتمال را دادیم ضرر دارد برای رفع این احتمال و خطر بیائیم و ده

سال را پانزده سال قرار بدهیم و بنده عرض میکنم که در پانزده سال کمتر تضییع حق میشود تا در ده سال و این عنوان شما که فرقی بین ده سال و پانزده سال نیست و فرقی بین حد اقل و حداکثر این مدت نیست خوب اگر فرقی ندارد بنده عرض میکنم همان مدت پانزده سال را قرار بدهید وقتی که پانزده سال شد بیشتر حق محفوظ می ماند چون ما هم يك مردمانی هستیم که کمتر حالت جدب و نندگی در کار داریم بنا بر این ۱۵ سال بشود حق مردم بهتر محفوظ می ماند تا در ده سال از این جهت و روی این عقیده بنده این پیشنهاد را کردم

مخبر - اگر چه با توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه دادند بهتر این بود که آقای آقا سید یعقوب این پیشنهاد را نمی فرمودند - برای اینکه نگرانی آقایان اگر نسبت بدعاوی است که سابقاً در این مملکت تولید شده است که آن نگرانی مرتفع شده است و نسبت باینه هم آن احتمالی را که حضرت آقای نماینده محترم می فرمایند موجود است خلاف آن هم هست همانطوری که حضرت عالی نسبت به مدعی احتمال صدق می دهید (در صورتی که اصل این طور است و قانون می گوید که باید اظهارات مدعی را خلاف اصل تلقی کرد) بنا بر این هیچ تفاوتی نیست بین مدعی و مدعی علیه و بنظر بنده آن کسی که می تواند از پانزده سال استفاده بکند و اطلاع پیدا کند از ده سال هم میتواند (صحیح است) اطلاع پیدا کند و بنده از اطلاعاتی که شخصاً از تجار و اشخاص خارج دارم اصلاً این مملکت محتاج است باین که حتی الامکان موجبات اختلاف بین اهالی باشد مرتفع شود و مردم بروند بطرف کار و اگر ممکن باشد آقای آقا سید یعقوب این پیشنهاد را مسترد بدارند بهتر است و این نظر بهتر تأمین میشود و اختلافات بین مردم کمتر تولید میشود - بعلاوه خودشان هم در کمیسیون باین مسئله رأی دادند و این عدول مستند بجهتی هم نیست .

رئیس - رأی میگیریم بقبایل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید بقیوب آقايان موافقین قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - رد شد . رأی میگیریم بماده دوم آقايان موافقین قیام فرمایند (جمع کثیری قیام کردند)

رئیس - تصویب شد . ماده سوم (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده سوم - مدت مرور زمان از روزی شروع میشود که صاحب مال یا صاحب حق یا دائن مستحق مطالبه میگردد در دعوی راجعه بصغار یا محجورین مطلقاً مرور زمان از تاریخ بلوغ و رشد و یا رفع حجر محسوب میشود در دعوی راجعه بمحقوق ارفاقی مرور زمان از تاریخی شروع میشود که نسبت باستفاده از حق مزبور جلو گیری شده باشد - در دعوی راجعه باسترداد ودیعه و اماناتی که محدود بمدت معین نباشد و همچنین در دعوی راجعه به تعهداتی که برای انجام آن مدتی معین نشده باعندالمطالبه باید انجام شود مادام که بوسیله اظهاریه رسمی ردودیعه یا انجام تعهد تقاضا نشده مرور زمان جاری نمیشود در مورد طلبی که وثیقه منقول یا غیر منقول دارد مادام که وثیقه در تصرف طلبکار است مرور زمان جاری نخواهد شد - نسبت بدعوی استرداد وثیقه مدت مرور زمان از روزی شروع میشود که وثیقه بوسیله تأدیبه دین یا بجهت دیگری فک شده باشد

زوج و زوجه و همچنین پدر و مادر و جد و جد و اولاد مطلقاً و برادر و برادر و خواهر و خواهر در دعوی ارث نمی توانند نسبت ببیکدیگر از مرور زمان استفاده نمایند در دعوی متقابل هرگاه مدت مرور زمان منتقل شده باشد تا روز اولین جلسه محاکمه در محاکمات اختصاری و تا تاریخ تقدیم اولین لایحه در محاکمات عادی برای اقامه دعوی متقابل مهلت داده میشود

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - در این ماده خیلی بنده تشکر میکنم که خیلی استثنائات منظور شده است که بواسطه این استثنائات تا يك اندازه حقوق مردم محفوظ می ماند و خوبی این ماده را از این جهت تا اندازه تشکر می کنم ولی چیزی که در این ماده هست و بنظر بنده محمل می آید این است که نوشته است مدت مرور زمان از روزی شروع میشود که صاحب مال و یا صاحب حق با دائنی مستحق مطالبه می گردد این جمله مستحق مطالبه را باید توضیح بدهند که یعنی چه يك دفعه مراد از مستحق مطالبه این است که يك طلبی من از يك شخصی دارم که دو سال مدتی است این دو سال که سر آمد من مستحق مطالبه می شوم . قسم دیگرش این است که سند من در ندارد و چیزی ندارد چون چیزی ندارد باین قاعده من مستحق مطالبه نیستم چون اوالمفلس فی امان الله است و تا وقتی که او چیز دار نشود من مستحق مطالبه نیستم و اگر بنا باشد که مراد از مستحق مطالبه آن روزی که بموجب این سند وعده رسیده و دارد منقضی میشود یعنی رأس دو سال است و بنا بر این چون در آن موعد من مستحق مطالبه هستم و او هم ندارد و باید حق من از بین برود که بقینا این مراد شما نیست که این حق از بین برود و مراد شما از مستحق مطالبه البته این نیست . ولی اگر غرضتان از مستحق مطالبه این است که موعد طلب من زودتر است و او هم داراست آنوقت من مستحق مطالبه هستم در اینصورت این حق من محفوظ میماند تا زمانی که امکان است در اینصورت دو شق پیدا بشود با آن طرف در روز موعد قادر بتادیه تمام دین خودش هست یا قادر بدهی تمام نیست : دو سال از موعد طلب من گذشته و او دارای هزار تومان نیست که طلب مرا بدهد و یا تصد نومان میدهد بقیه اش می ماند برای موردیکه استطاعت پیدا کند و چیز دار بشود . آنها را باید آقای وزیر عدلیه توضیح بدهند که مقصودشان کدام مورد است و مرادشان از مستحق مطالبه چیست و چه موقع است

کدام يك از این شقوق منظور ایشان است ؟ وزیر عدلیه - مستحق مطالبه اساساً همانطور است که خودشان تعبیر فرمودند در آن قسمت اول از بیاناتشان وقتی که طلبی يك موعدی دارد آن روزی من مستحق مطالبه می شوم که موعدش میرسد . ولی آن نکته را که آقا فرمودید و يك نفر دیگر از آقایان نمایندگان هم بنده را متوجه ساختند بنده البته خیال می کنم که می شود با اصول و قوانین فعلی آمد و این تعبیر را کرد که اگر يك کسی آمد و افلاش ثابت شد و مفلس شد البته چون نمیشود از مفلس چیزی را مطالبه کرد بنا بر این میتوان گفت که از روزی که آن شخص دارائی پیدا کرد آنروز روز مستحق مطالبه بودن طرف است . ولی از طرف دیگر این مسئله را بنده اینجا نمی خواهم فعلاً درش بحث کنم و قطعی کرده باشم و بهمان آقای نماینده محترم هم که این مسئله را به بنده فرمودند عرض کردم که موضوع افلاس ... موضوع ورشکستگی که تکلیفش معلوم است موضوع افلاس را ما باید يك ترتیب قانونی برایش درست کنیم و چند ماده بیآوریم و این مسئله را نیز در آن ضمن درست کنیم و حل کنیم ولی اینجا فعلاً بنده تصور میکنم در هر حال ما نتوانیم با يك پیشنهاد و يك ماده این نکته را که آقا توجه دارند بیائیم و حل کنیم برای اینکه ممکن است يك چیز خوبی از نویس در نیاید يك موادی را در نظر داریم تهیه کنیم برای ترتیب افلاس و تعیین تکلیف مفلس و مطالبات راجعه بمفلس که بعد تقدیم می کنیم و تکلیفش در آنجا معلوم میشود

جمعی از نمایندگان - صحیح است . مذاکرات کافی است آقا سید بقیوب - خیر آقا کافی نیست .

افسر - کافی نیست . مبهم ماند مطلب

رئیس - آقای افسر بفرمائید

افسر - بعقیده بنده مذاکرات کافی نیست برای این که بالاخره با اینکه آقای وزیر عدلیه وعده فرمودند باز مطلب مبهم و محمل ماند البته اگر ایشان وعده می فرمودند

که در فلان قانون صریحاً مراعات این مطلب میشود (راجع بمستحق مطالبه بودن از شخص مفلس) که البته مذاکرات کافی بود ولی بالاخره فعلاً مطلب مبهم است و قانون ناقص می ماند قاضی هم بالاخره باید در حین عمل تکلیفش را بفهمد که چه باید بکند بنا بر این بعقیده بنده باید توضیح بیشتری داده شود و صریحاً توضیح داده شود که رعایت این نکته در فلان قانون خواهد شد اگر اینطور باشد که مذاکرات کافی است و الا کافی نیست و نمیشود بيك قانون مبهم رأی داد .

وزیر عدلیه - بنده در ضمن جواب آقای فیروز آبادی نماینده محترم عرض کردم که قانونی می آوریم و رعایت این نکته را که فرمودید در ضمن آن قانون می کنیم

افسر - بسیار خوب پس مذاکرات کافی است .

رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - معلوم میشود کافی است . پیشنهاد آقای روحی

(این قسم قرائت شد)

پیشنهاد می کنم که در ماده سیم بعد از کلمه خواهر و خواهر اضافه شود و کلیه دعوی که مستند بارت باشد علاوه شود . روحی .

روحی - آقای وزیر عدلیه خوب است در این عرض بنده توجه بفرمائید . عرض می کنم که دعوی ارث منحصر بخواهر و برادر و مادر و پدر و پسر نیست ممکن است در يك موقعی خواهر زاده یا برادر زاده ارث برد و قائم مقام خواهر و برادر بشود (خیلی اتفاق می افتد) یا شاید نوه آنان است و جای پسر ارث بخواند برود این گونه دعوی و اتفاقات خیلی است و منحصر بهمین مواردی که در قانون ذکر شده نیست و بنا بر این بنده پیشنهاد کردم در این قانون این جمله را ذکر کنند

که : وکلیه دعای که مستند بارت باشد که کلی باشد و اسباب اشکال تولید نکند و مستندات ارضیه هر چه باشد خواهر و خواهر برادر و برادر برادرزاده و خواهرزاده نوه و همه را در بر بگیرد چون تمام که منحصر باین دوسه فقره نیست که در ماده ذکر شده است و اگر قبول نکنند يك لطمه بمحقق اشخاص میخورد والا بنده اساساً با این قانون مرور زمان موافق هستم و آن را لازم میدانم

وزیر عدلیه - تصور میکنم نماینده محترم با سابقه که بفکرشان دارم درست باین مطلب توجه فرمودند چون میدانم ایشان اساساً موافق با مرور زمان هستند و به این پیشنهاد تقریباً تمام مرور زمان را از بین میبرند زیرا ما گفتیم که يك اشخاصی که بواسطه نزدیکی زیاد ممکن است از هم ملاحظه بکنند آنها را رعایت بکنیم اول زوج و زوجه که خیلی طبیعی است دورنری را که بطور زناشویی زندگی میکنند این را نمیشود گفت که بیار و دعوی بکن یا حقت از بین میرود درست است ؟ بعد آمدیم پدر و اولاد را هم باید کاری کرد که با تراکت زندگی بکنند نمیشود گفت به پسر اگر با پدرت دعوا نکردی حقت از بین میرود بعد آمدیم گفتیم (که ممکن است خیلی هم اتفاق میافتد) که چندنا برادر و خواهر بعد از مرگ پدرشان همینطور با هم زندگی میکنند و ارثشان را هم تقسیم نکرده اند از برادر بزرگتر ممکن است ملاحظه بکنند خواهر کوچکتر از خواهر بزرگتر ممکن است ملاحظه بکنند چون میخواهند با هم زندگی کنند نباید آنها را وادار بدعوی کرد ولی اگر شما بخواهید بیایید دامنه این قسمت را بسط بدهید که عمه و خاله و خاله زاده و خاله قزی و دختر عمو هم رعایت مرور زمان را بکنند برای مرور زمان دیگر چیزی باقی نمیمانند این مراعات را نسبت به اشخاصیکه خیلی نزدیک بهم هستند باید بکنیم و دیگر این درپ را دروازه نکنید روحی -- مسترد میدانم .

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(بشرح آبی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که توضیح داده شود که مراد از مستحق مطالبه در ماده ۳ شدن . رسیدن زمان مطالبه و قدرت مدیون بر اداء میباشد
رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - چون بنده عقیده ام این است که در این ماده باید توضیح داده شود والا بعدها با شکالاتی برخورد خواهد کرد که اسباب زحمت خود آقای وزیر عدلیه و دیگران خواهد شد . بنده پیشنهاد کردم که مراد از استحقاق زمان مطالبه یعنی موعدی که زمان طلب من رسیده و طرف مقابل هم قدرت اداء دین خودش را دارد مراد این است یعنی اگر طرف مقابل قدرت اداء نداشته باشد موکول میشود زمانی که قدرت اداء داشته باشد و گمان میکنم این ترتیب اشکالی نداشته باشد و آقای وزیر عدلیه هم قبول میکنند

وزیر عدلیه - بنده همیشه خطر قانون گذاری خصوصاً قانون عدلیه را در مجلس در همین موضوعش میدانم و به آقایان هم عرض کرده ام که يك موضوعی که قبلاً مطالعه کامل نشده است پیشنهاد میشود و شخص هر قدر هم که تصور بکنند که قابل و قادر حل قضا یا مسائل قضائی است ممکن است آن موقع متوجه تمام اطراف قضیه نباشد در يك پیشنهادی همان جنبه ظاهریش را در نظر بگیرد و قبول کند و بعد متوجه شود که بدون مطالبه این کار را کرده است و به يك اشکالاتی بر بخورد بنده میخواهم از آقایانمنا کنم که این پیشنهاد را مسترد نفرمایند و بنده مشغول تهیه لایحه راجع به ترتیب افلاس هستم این قسمت را هم در آنجا در نظر میگیریم و حل میکنیم و چون با مطالعه خواهد بود می آید این جا و با يك نگر خوبی میکند ولی میترسم حالا این چیزی که این جا نوشته اند يك جنبه های بدی پیدا کنند شما میفرمایند موقعی که قادر بر اداء باشد این در کجا ثابت میشود باید دعوی شده باشد که معلوم شود این شخص مفلس است

به آقای مؤید احمدی (منشی)

(بشرح سابق خوانده شد)

وزیر عدلیه - عرض کنم همان برادر و خواهر که مینویسیم کافی است .

رفیع - بلکه خواهر بر برادر ادا داشته باشد .

وزیر عدلیه - نوشته میشود در دعوی بین برادر و خواهر و چون اصل مقصود همین است برای اینکه مطلب روشن تر شود و اگر این طور نوشته شود بهتر است بنده قبول میکنم .

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر طاهری هم همین است کمان میکنم که نظر آقایان هم تأمین شده باشد .

طاهری - بل .

رئیس - رأی میگیریم به ماده سوم با افزایش پیشنهاد آقای رفیع که آقای وزیر عدلیه هم قبول کردند . . .

بعضی از نمایندگان - مخبر هم باید قبول کند

مخبر - بنده هم قبول میکنم .

رئیس - آقای مخبر هم قبول کردند موافقت قیام فرمایند .

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده چهارم قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده چهارم - هر گاه کسی که مرور زمان بر علیه او جریان دارد بواسطه عرض حال رسمی یا اظهاریه قانونی حق خود را مطالبه نماید مدت مرور زمان منقطع میشود و برای حصول مرور زمان گذشتن مدت جدیدی لازم است این مدت جدید در مورد مرور زمان ده ساله سه سال در سایر موارد یکسال علاوه بر بقیه مدت مرور زمان قبل از انقضاء خواهد بود .

مرور زمان را بیش از يك مرتبه نمی توان منقطع نمود .

و آنوقت این مسئله شامل او بشود و الا بعد از سی سال يك کسی نباید ادعا بکنند و مدت مرور زمان گذشته باشد که موقعی که من مستحق مطالبه بودم طرف مفلس بود این فایده ندارد و بالاخره این يك پیشنهادی است که بنده با اساس آن کاملاً موافق هستم و اول هم تصدیق کردم ولی عرض میکنم که اجازه بفرمائید این مسئله را در ضمن آن قانون درست کنیم و این پیشنهاد را پس بگیرد والا میترسم در ضمن این قانون خوب نشود فیروز آبادی - در صورتیکه آقا وفا بقول خودشان انشاء الله بزودی بکنند بنده هم پس میگیرم .

وزیر عدلیه - قول میدهم باقا .

رئیس - پیشنهادی از آقای رفیع رسیده است قرائت میشود .

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده سه صفحه دو سطر نه بعد از فراز برادر و برادر و خواهر و خواهر اضافه شود : برادر و خواهر و خواهر و برادر .

رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرض کنم مکرر اتفاق افتاده است بنده این را خواستم در ضمن مذاکرات عرض کنم ولی نکته شد مذاکرات کافی است حالا پیشنهاد کردم . مکرراً اتفاق افتاده است که اص قانون را قضاات جلوی خود میکذارند و عمل میکنند و بعضی مواقع از قانون چون گنگ است مطلب خوب فهمیده نمیشود و این جا درست مطلب معلوم نمیشود این جا نوشته است برادر و برادر و خواهر و خواهر و اگر برادری یا خواهری دعوا داشت ، اگر خواهر یا برادری دعوا داشت مشمول این قسمت نمیشود این مطلب چهار احتمال دارد اگر آقای وزیر توضیح میدهند که مطلب معلوم شود بنده پس میگیرم و الا اگر این طور نوشته شود بهتر است و مطلب واضح تر است .

وزیر عدلیه - يك مرتبه دیگر بخوانید آقا . (خطاب

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی -- موافقم .

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده عرایض در این ماده همان است که در شور اول هم عرض کردم و خیلی هم معتقد به آن عرایض خودم . عرایض بنده راجع به آن قسمت است که مرور زمان را بیش از يك مرتبه نمی شود منقطع کرد برای خاطر اینکه قبول کردید که مرور زمان مملکت نیست . قانون مرور زمان اصل وضعیت و ریشه اش برای این است که مردم مطالب حق خودشان واقع شوند نه اینکه مرور زمان مالکیت بیاورد و در اینصورت وقتی که قطع واقع شد برای چه بگمرتبه بیشتر منقطع نمیشود هر وقت آمد تقدیم عرضحال کرد یا اظهاریه رسمی داد مرور زمان منقطع میشود نفس مرور زمان که مملکت نیست . در این قسمت در شور اول هم اظهار کردم در کمیسیون هم عرض کردم و عقیده ام این است که این که اینجا نوشته است که مرور زمان را بیش از یکمرتبه نمیشود منقطع کرد بنده مخالف با این عبارت هستم مرور زمان منقطع میشود بواسطه تقدیم عرضحال یا اظهاریه رسمی مثل همه دنیا شما دیگر در اینجا میخواهید از همه دنیا جلو تر باشید؟

وزیر عدلیه -- بنده متأسفانه در این موضوع با آقای آقا سید یعقوب چه در مجلس و چه در کمیسیون زیاد صحبت کردیم و مذاکره کردیم نه ایشان توانستند بنده را متقاعد کنند و نه من توانستم که ایشانرا متقاعد بکنم ولی چنانچه بنا شود که مرور زمان انقطاعش قطع نشود دیگر مرور زمان معنی ندارد برای اینکه بعد از چند وقت که يك اظهاریه رسمی دادند مدت از نو شروع میشود (نمایندگان - صحیح است)

رئیس -- مخالف دیگری نیست؟

دکتر طاهری -- بنده مخالف هستم .

رئیس -- بفرمائید .

دکتر طاهری -- يك فلسفه را ...

بعضی از نمایندگان -- بلند تر

رئیس -- بفرمائید اینجا

دکتر طاهری -- (پشت کرسی نطق) يك فلسفه را آرزو آقای وزیر عدلیه فرمودند حالا هم فرمودند که اگر چنانچه مرور زمان بیش از یکمرتبه منقطع شود نتیجه ندارد که این قانون نوشته شود هر دفعه عرضحال میدهد و تعقیب نمیکند . این مطلب صحیح است ولی این قسمت آخر ماده که مرور زمان را بیش از یکمرتبه نمیشود منقطع نمود از این قسمت جلوگیری میکند . (صحبت بن نمایندگان - زنگ رئیس دعوت بسکوت) يك مرتبه این حق را میدهد به کسی که يك طلبی دارد که عرضحال بدهد که بعد بتواند تعقیب کند ولی ما باید پیش حق بدهیم که همان اندازه و همان مدتی که بیشتر حق داشته است حالا هم باز حق داشته باشد و بعد هم دیگر نتواند برای اینکه گفتیم که مرور زمان را بیش از يك مرتبه منقطع نمود این زمان نظر است که نتوانسته اند فلسفه مرور زمان را از بین ببرند و همیشه برای مردم مسرفه باقی باشد ولی این فلسفه مانع از این نیست که ما بگوئیم که آن حقی که او داشته است طلبی که او داشته است فقط دو سال دیگر حق داری مطالبه کنی وقتی که قسمت آخر ماده را ما قبول کنیم این فلسفه دیگر مورد ندارد که ما در مرور زمان را در يك مرتبه پس از انقطاع مثل سابق قرار ندهیم و کمتر قرار بدهیم باید مثل مدت قبل بود هم برای او وقت قائل شویم . بعقیده بنده چون طرف محق است و مطالبه حق هم جزء اصول است ما این قسمت را در نظر بگیریم که مدت بعد از انقطاع مثل مدت قبل از انقطاع باشد و این را تصریح بکنیم برای اثبات حق اشخاصی و آن فلسفه که برای بیش از يك مرتبه نبودن آن روز فرمودید بنده متقاعد شده و پیشنهاد کردم که قسمت آخر ماده باقی باشد و اصل

مرور زمان باقی باشد لیکن این حق هم از بین نرود .
نخبر -- اگر مراجعه شود به اعتراضاتی که آقایان نسبت به مدت مرور زمان میکردند گفته میشد که مردم مطلع نمیشوند حالا فرمایش آقای دکتر بکلی معکوس آن است برای اینکه میگویند وقتی که يك کسی مطلع شد و رفت منقطع کرد مرور زمان را و رفته است اقامه دعوی کرد معذک به او يك مدت مساری با مدت فعلی داده شود . بنده عرض میکنم این غلط است

سید یعقوب -- چه عیب دارد چرا ؟

نخبر -- حالا عرض میکنم چون آن کسی که رفته است اقامه دعوی کرده است باید او را مکلف کرد که برود دعوايش را تعقیب کند و تمام مدتی که دعوی دارد جزء مرور زمان نیست مثلاً ممکن است يك دعوائی پنجسال جریان پیدا کند این پنجسال جزء مرور زمان نیست از روزی که عرضحال تقدیم کرد گفته میشود که سه سال دیگر حق دارد تعقیب کند و تصور میکنم که این کار عادلانه است و مردم را سوق میدهد به اینکه روند مطالبه حق خودشان را بکنند و بنا بر این هیچ جهتی ندارد که ما بیائیم ثانیاً يك مدتی معادل مدت قبل از انقطاع معین کنیم البته . اگر آقایان تصور میکنند که يك دلیل مؤثری دارند ممکن است پیشنهاد بکنند بعد بحث میکنیم .
جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است .

رئیس -- پیشنهاد ها قرائت میشود . پیشنهاد آقای احتشام زاده .

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده چهارم عبارت در سایر موارد حذف و بجای آن نوشته شود (و در مورد مرور زمان سه ساله)

رئیس -- آقای احتشام زاده

احتشام زاده -- مطابق این موادی که تصویب

شده است مرور زمان سه قسم شده است یکی راجع به مالکیت اموال غیر منقول که مرور زمان چهل سال و بیست سال است . يك قسمت مربوط است به اموال منقول و دیون که ده سال است . يك قسمت مربوط است به دعاوی که در مدت کمی باید پرداخته شود که سه سال مدت مرور زمان آن است اینجا مینویسد : در مورد مرور زمان ده ساله سه سال در سایر موارد یکسال علاوه بر بقیه مدت مرور زمان قبل از انقطاع خواهد بود . این در سایر موارد اعم است از مرور زمان اموال غیر منقول و مرور زمان اموال منقول و دعاوی که در مدت کمی باید مطالبه شود . این است که بنده پیشنهاد کردم در سایر موارد حذف شود و تصریح بکنم که در مورد مرور زمان سه ساله که بعد ها تعبیری نشود و ممکن است از آقای وزیر عدلیه ضمناً يك توضیحی بخواهیم و سؤال بکنیم که راجع به مدت مرور زمان که انقطاع پیدا میشود شروع این مدت از چه تاریخی است البته ممکن است بگویند اگر کسی رفت بمحاکم صالحه و بعد تعقیب نکرد مرور زمان جدید از روزی است که عرضحال داده شده است و مرور زمان را قطع کرده است و مرور زمان جدید باید از آن روز شروع شود در صورتیکه بنظر بنده حتماً باید از موقعی که محاکمه رتک کرده است شروع شود خواستم این را توضیح دهند .

یاسائی -- ماده هفتم را بخوانید .

وزیر عدلیه -- عرض کنم آن قسمت را که پیشنهاد کرده اند که در سایر موارد حذف و نوشته شود که راجع مرور زمان سه ساله یکسال خواهد بود بنده موافق هستم و سایر موارد فقط راجع همان روز و سه ساله است و خوب است اینطور نوشته شود که در مورد مرور زمان ده ساله سه سال و در مورد مرور زمان سه ساله یکسال خواهد بود . اما راجع به سئوالیکه فرمودید حالا بنده عرض میکنم که انقطاع بواسطه ظهاریه

اگر بشود محض اینکه اظهاریه را داد انقطاع شروعی شود و مدت مرور زمان جدید از فردای آنروز است ولی اگر عرضحال داد عرضحال اگر بکسال از تعقیب آن گذشت آن عرضحال کن لم یکن میشود و نمیتواند تعقیب بکند و در آن مورد مدت شروع انقطاع مرور زمان آخر بکسال است و چون آن بکسال تعقیب حساب نمی شود و مدت مرور زمان جدید هم سه سال است از تاریخ تقدیم عرضحال چهار سال میشود. این قسمت مربوط بقانون اصول محاکمات حقوقی است

رئیس -- نظر آقای مخبر چیست ؟

مخبر -- در قسمتی که آقای وزیر عدلیه توضیح دادند که در مدت مرور زمان ده ساله سه سال و راجع به مرور زمان سه ساله نوشته شود بنده قبول میکنم

رئیس -- پیشنهاد دیگری است قرائت میشود (اینطور خوانده شد)

مقام محترم ریاست مجلس مقدس بنده پیشنهاد میکنم در ماده چهار اموال منقول بعد از جمله عرضحال رسمی با اظهاریه قانونی اضافه شود که بطرف ابلاغ شده باشد

رئیس -- آقای مجد ضیائی

مجد ضیائی -- اول این نکته را در لایحه دولت هم قید کرده بودند در کمیسیون گویا حذف کردند و حال آنکه بسیار مفید بود چون همیشه تقدیم عرضحال یا ابلاغ خیلی فرق دارد چون ممکن است عرضحال تهیه بشود ولی ابلاغ نشده باشد و یا به طرف نرسد و این اسباب زحمت است.

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی -- درست است در لایحه دولت قید بود که عرضحال با اظهاریه که ابلاغ شده باشد ولی تصدیق میفرمائید که ابلاغ چندان سهل و ساده نیست ممکن است محل توقف مدعی علیه در جاهای دور باشد و ابلاغ بکدام

فیروز آبادی -- بنده این جا غرض مخالفت نیست چون نفهمیدم میخواهم بفهمم مثلاً در حق مرور زمان ده ساله اگر پس از پنجسال من عرضحالی دادم و بعد دستم داشتیم آیا در آن پنجسال باقی باز هم اگر ادعا دارم میتوانم ادعا بکنم و از سه سال انقطاع مرور زمان استفاده کنم یا خیر ؟ این يك توضیحی است که باید داده شود .

وزیر عدلیه -- عرض کنم که آقا خودشان درست حدس زدند جواب بنده را اگر يك کسی عرضحالی داد و بعد پس گرفت عیناً مثل این است که کسی عرضحال نداده باشد آن موقعی که عرضحال داد مدتش همان است که معین شده است .

رئیس -- موافقین با ماده پنجم قیام فرمایند . (عده زیادی برخاستند)

رئیس -- تصویب شد . ماده ششم قرائت میشود . (این طور خوانده شد)

ماده ششم -- مفاد تبصره ماده ۳ و مواد ۴ و ۵ قانون ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۶ راجع به ثبت عمومی املاک و مرور زمان باستانهای آنچه که مخصوص با املاک ثبت شده در دفتر املاک است در مورد کلبه دعای رعایت خواهد شد .

رئیس -- آقای زوار

زوار -- موافقم

رئیس -- مخالفی ندارد ؟ (اظهار شد -- خیر)

رئیس -- رأی گرفته میشود به ماده ششم موافقین قیام فرمایند .

(اغلب برخاستند)

رئیس -- تصویب شد . ماده هفت قرائت میشود .

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده هفتم -- مفاد ماده ۴ و ۵ این قانون نسبت بدعای راجعه به اموال غیر منقوله نیز مجری است ولی در صورت انقطاع مدت مرور زمان جدید پنجسال علاوه بر بقیه مدت مرور زمان قبل از انقطاع خواهد بود

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی موافقم .

بعضی از نمایندگان -- مخالفی ندارد .

رئیس -- پیشنهاد آقای احتشام زاده قرائت میشود . (بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده هفت بجای عبارت نسبت به دعای راجعه به اموال غیر منقوله نیز مجری است نوشته شود : نسبت به دعای مالکیت و وقفیت اموال غیر منقول نیز مجری است .

رئیس -- آقای احتشام زاده

احتشام زاده -- يك قسمت از دعای مربوطه با اموال غیر منقول تکلیف انقطاع آن در ماده چهارم معلوم شده است که ده ساله سه سال میشود و يك قسمت دیگر دعای مالکیت و وقفیت است که باید تکلیفش معلوم شود و اینجا چون بطور کلی عبارت نوشته شده است که راجع بدعای غیر منقوله است بنده پیشنهاد کردم که نوشته شود دعای راجعه به مالکیت و وقفیت .

وزیر عدلیه -- بنده موافق هستم با این نظری که آقا اظهار کردند و برای تشریح هم بد نیست که بجای دعای راجعه به اموال غیر منقول نوشته شود فقط دعای راجعه بمالکیت و وقفیت که مرور زمان بدست ساله است و بنا بر این جا تصریح میکنم که بجای دعای راجعه به اموال غیر منقوله بنویسیم دعای مالکیت و وقفیت بهتر است .

مخبر -- بنده هم از طرف کمیسیون قبول میکنم

وزیر عدلیه -- بکدفه دیگر پیشنهاد را قرائت بفرمائید

(بشرح سابق خوانده شد)

(بشرح سابق خوانده شد)

یاسائی - همچو چیزی ندارد

وزیر عدلیه - ماده هفت میگوید: مفاد ماده چهار و پنج این قانون نسبت بدعوی راجعه باموال غیرمنقوله نیز مجری است دعوی مرابوطه به اموال غیرمنقوله خیلی زیاد است و ما منحصرأ دعوی مالکیت و وقفیت غیر منقوله را برایش مرور زمان بیست ساله قرار دادیم و این همان نظر است پس خواستیم که يك توضیحی داده شود و نوشته شود مفاد ماده ۴ و ۵ این قانون نسبت بدعوی مالکیت و وقفیت بهتر است و دعوی نسبت به اموال غیر منقوله نیز مجری است به این ترتیب اصلاح شود

رئیس - رای گرفته میشود به ماده هفتم با اضافه پیشنهاد اصلاحی آقای احتشام زاده بوضعی که آقای وزیر عدلیه و آقای مخبر قبول کردند موافقین قیام فرمایند (اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده هشت قرائت میشود. (بضمون ذیل خوانده شد)

ماده هشتم - مدت مرور زمان کلیه دعوی مذکور در ماده ۱ و ۲ باستثنای دعوی مالکیت و وقفیت اموال غیر منقوله که در تاریخ اجرای این قانون مطابق مقررات فوق مرور زمان نسبت بآنها حاصل شده یا کمتر از دو سال بحصول مرور زمان مانده باشد نادو سال در محاکم عدلیه پذیرفته خواهد شد مشروط بر اینکه در تاریخ اجرای این قانون از تاریخ منشاء و تولید دعوی یا آخرین تعقیب بیش از سی سال نگذشته باشد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این جا يك مسئله است که در شور اول هم بنده يك تبصره پیشنهاد کردم حالا هم آرا پیشنهاد میکنم چون با آقای وزیر عدلیه هم در کمیسیون صحبت کردم و این جا هم اشاره کردند موضوع این است که ما هنوز نتوانستیم در هر جا تشکیلات عدلیه خودمان

رئیس - مخالفی ندارد. رأی میگیریم موافقین قیام فرمایند.

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دهم

(اینطور خوانده شد)

ماده دهم - این قانون از تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۰۸ بموقع اجراء گذاشته میشود

آقا سید یعقوب - ماده الحاقیه قبل از این است

رئیس - مواد الحاقیه را میخواهید قبل از این ماده قرار بدهید عیبی ندارد مواد الحاقیه قرائت میشود یکی از نمایندگان - معلوم میشود يك ماده الحاقیه هم نیست چند تا است

(بشرح آتی خوانده شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی:

ماده الحاقیه ذیل ذیل را پیشنهاد میکنم:

این قانون شامل نقاطی است که تا بحال تأسیس محاکم قضائی در آنها شده باشد و در نقاطی که هنوز تأسیس محاکم قضائی نشده باشد اعم از بلوک و قصبات و ایلات تا زمان تشکیل محاکم قضائی در آن نقاط از این قانون مستثنی است. عزیرالله فولادوند

رئیس - آقای فولادوند

فولادوند - غرض عرض بنده این بود که مطابق همان مذاکرایی...

بعضی از نمایندگان - بلند ز آقا بلند تر صحبت کنید

رئیس - آقا این جا بفرمایید رای نندویسان معسر است

فولادوند (در محل نطق) - غرض عرض این بود

راجع ...

بعضی از نمایندگان - بلند تر.

فولادوند - به این قانونی که وضع میشود مساعدت

فرمایید در نقاطی که محاکم تشکیل شده است و مردم

اطلاع ندارند این قانون فعلا اجرا نشود چون در اغلب دهات حتی مرکز و شهر های بزرگ. مردم از قوانین بی اطلاع هستند مسلم است قصبه و بلوک و ایلات بطریق اولی عاری هستند خصوصاً نقاط و محل هایی که تشکیل محاکم قضائی نشده است لهذا بنده پیشنهاد نمودم که این قبیل نقاط را که محاکم قضائی تا بحال ندارند تا زمان تشکیل محاکم از این قانون مستثنی باشند. (بعضی از نمایندگان صحیح است)

وزیر عدلیه - عرض کنم که بنده کاملاً مخالف با

این ترتیب هستم در همه جنبی مملکت تأسیسات قضائی داریم و در هیچ مملکت در دنیا نیست که در هر کجای که پیش يك محکمه قضائی باشد در ایران هم نمیشود گفت جائیش هست که محاکم قضائی ندارد منتهی میشود گفت که يك

حوزه اش بزرگتر و وسیع تر است پس بنا بر این بنده نمیتوانم این پیشنهاد را قبول کنم بنده همین قدر عرض میکنم که آن اقداماتی که لازم است برای اطلاع اشخاص ما

بمعمل بیآوریم بعمل خواهیم آورد اگر بعد از یکسال و نیم یکسال دیگر ما دیدیم که بسط حوزه های قضائی را آطوریکه که دلان میخواهد هنوز نتوانستیم بدهیم یعنی حوزه های قضائیه را يك قدری تنگ تر میکنیم اگر دیدیم لازم شد که واقعا يك اقدام احتیاطی از قبیل این

احتیاطات و این اقدامات لازم است بکنیم آنوقت يك فورمولی اتخاذ میکنم و در آن موقع میگوئیم که این ترتیب باید بشود و حالا خواهش میکنم آقا خودشن این پیشنهاد را پس بگیرند

بعضی از نمایندگان - پس میگیرند

رئیس - پس میگیرند

فولادوند - بی

رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای آقا سید یعقوب

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه را پیشنهاد میکنم

ماده الحاقیه - دعوی دولت بر افراد و هم چنین

افراد بر دولت مطابق مقررات این قانون نخواهد بود
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 آقا سید یعقوب - در شور اول ماده اولی را که
 کمیسیون تنظیم کرده بود تبصره بنده پیشنهاد کردم اما
 در شور ثانی این ماده تغییر کرد و چهار ماده شد باین
 طوری که مجلس هم رای داد اصل موضوع این است حالا
 که این قانون گذشت انشاء الله بموقع عمل می آید بنده
 هم سوء ظن به هیئت دولت ندارم نهایت اطمینان را
 دارم که همان اندازه که نسبت مردم قضاوت را ملاحظه
 میکنند نسبت بحقوق مردم بر دولت هم همینجور قضاوت را ملاحظه
 میکنند لیکن اصل موضوع این است که مسئله حاکمیت
 دولت در جای خودش محفوظ است ولی در مقام قضاوت
 که حفظ عدالت و محفوظ بودن عدالت باشد دولت هم
 مثل سایر افراد در مقابل قانون متساوی الحاق است
 حاکمیت دولت بحکم قانون همانطوریکه داد زدم آقای
 وزیر عدلیه بر سبیل ارسال مسلم فرمودند بعضی از
 نماینده ها فرمودند این راجع است بحاکمیت دولت
 با تصدی دولت بنده این حرف بگویم خیلی گران آمده
 است حاکمیت دولت نیست حاکمیت قانون است قانون
 بدولت حاکمیت میدهد و الا دولت فی حد ذاته حاکمیت
 داشته باشد معنی ندارد حاکمیت از طرف قانون بدولت
 داده میشود حالا این مورد را وارد نمیشوم این بحث
 لفظی است اصل موضوع این است این قانون مرور زمان راجع
 به دیون است دیونی هست که مردم بدولت دارند یا دولت
 بمردم دارد دعوی هست که دولت بمردم دارد مردم
 بدولت دارند اینجا اینها را ما بیان نکردیم يك لا یجوز در
 دوره ششم آقای وزیر عدلیه آوردند در کمیسیون عدلیه
 گذشته است و جریان آن بیک ترتیبی واقع شده است که
 آن جریان را همه آقایان اطلاع دارند که در وزارت
 مالیه تشکیل محکمه عدالت شده است اگر يك بدبخت در
 سینه حرث مائة يك دینی به گردش باشد چنان مامورین
 غلاظ و شداد او را در تحت مسئولیت و مؤاخذه میکینند
 و زور سرش می آورند - ولی اگر مردم ادعائی داشته

باشند هیچ . حالا بنده عرض میکنم که مردم نرحم
 بکنید در مقام قضاوت و عدالت نسبت باین قانون که بعد
 از این میخواهد از مرور زمان استفاده بکنند نسبت بمردم
 هم همینطور باشد و در این قانون ما تبعیض قائل نشویم
 و نسبت به قضاوت تبعیض قائل نشویم این است عقیده بنده
 وزیر عدلیه - این پیشنهاد را بنده متأسفانه نمی
 توانم قبول کنم برای اینکه دعوی دولت بر افراد و افراد
 بر دولت دو قسم است يك قسمت مطابق قانونی که الان در دست
 هست و يك قانونی هم که تهیه خواهیم کرد و تقدم
 میشود دعوی است که باید برود به محاکم اداری دولت
 در همه جای دنیا هم همینطور است و باید همینطور باشد
 اشکالی هم ندارد يك قسم دعوی دیگری هم هست که
 باید به عدلیه و مطابق قوانینی که داریم و مطابق اصول
 که در اکثر ممالک دنیا معمول است مراجعه بشود
 به عدلیه و محاکم حقوقی این طبیعی است که تابع این
 قانون است ولی آن قسمت که اداری است آرا باید ما
 بایک مطالعه بیشتری راجع به محاکمات اداری قانونش را
 تهیه کنیم و مسئله مرور زمانش را هم در اینجا باید
 معین کرد و الا در این قون نمیشود معین کرد و
 دلیلی که میفرمایند که نباید بین دولت و افراد فرق
 گذاشت بنده البته موافقم که هیچ نباید فرق گذاشت
 فرق هم گذاشته نمیشود برای اینکه در بعضی از موارد
 علیه دولت اقامه دعوی کرده اند و دولت هم محکوم شده
 است در بعضی جاها هم باو حق داده شده است بنا بر این
 برای عدلیه فرقی نمیکند که مدعی دولت باشد یا يك فرد
 عادی (صحیح است)
 آقا سید یعقوب - چون بنده میترسم با جز
 ظنی که به وزیر محترم عدلیه دارم این ماده باین
 ترتیبی که فایده بحال مردم دارد رد شود این است که
 مسترد میکنم تا آن مواد بیاید به کمیسیون و يك ترتیب
 واقع شود که مفید باشد
 رئیس - پیشنهاد آقای مخبر فرهمند

(این قسم قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که وزارت عدلیه مکلف است قانون مرور زمان را
 در تمام شهرها و قصبات و دهات بوسیله جراید و اعلان
 باطلاع عامه رساند

چند نفر از نمایندگان - این راجع به نظامنامه است
 رئیس - آقای مخبر فرهمند

مخبر فرهمند - بنده تصور نمیکنم باین پیشنهاد بنده
 کسی مخالف باشد برای اینکه دولت يك همچو قانونی
 را که میخواهد اجرا کند مجبور است به مردم اطلاع
 بدهد برای اینکه این قانون ناس با اکثریت مردم دارد
 و باید همانطوری که پیشنهاد شده است بوسیله اعلان و جراید
 باطلاع عامه رساند که لا اقل حالا که این قانون وضع
 شده است و بکفندی برای مردم مشکل است مردم مطلع
 باشند و اگر طلب دارند بروند و مطابق قانون
 عمل کنند

وزیر عدلیه - عرض کنم که بنده در این آخر
 وقت میخواهم عرض کنم که آقایان همی صحبت میکنند
 که مردم مردم آخر آقا قانون دو طرف دارد اگر مرور
 زمان از برای کسانی که میخواهند ادعای يك حقی بکنند
 يك تضییقاتی میکند و میگوید باید برود فلان کار را
 بکند و تعقیب بکند تصدیق بفرمائید که برای طرف دیگر
 هم هست و همان اندازه که مدعی هست مدعی علیه هم
 هست و راجع باین پیشنهادی هم که فرمودید بنده تصور
 میکنم با آن نهمدانی که رسماً خود بنده کردم که باین
 وسائل مردم را مطلع بکنم و خودم این اقدام را بکنم
 گمان میکنم دیگر این پیشنهاد لازم نباشد و خواست
 آقا هم موافقت بکنند و این پیشنهاد را مسترد بکنند

مخبر فرهمند - چون نظر بنده نامین میشود مسترد
 می کنم .

رئیس - پیشنهادی از آقای ضیاء رسیده قرائت میشود
 (این قسم قرائت شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم
 ماده الحاقیه - مقررات اینقانون شامل دعوی و
 مطالبات و حقوق مردم بدولت نیست
 رئیس - آقای ضیاء
 ضیاء - بنظر بنده ...

رئیس - آقا اینجا تشریف بیاورید برای نویسندهگان
 مشکل میشود

ضیاء - (در محل نطق) - نظر بنده همانطوریکه
 در ضمن این پیشنهاد باطلاع آقایان میرسد کاملاً مخالف
 نظر آقای آقا سید یعقوب است . پیشنهادی که ایشان کرده اند
 يك قانون را کافی میدانند که شامل مطالبات و حقوق و
 دعوی مردم بدولت و دولت بر مردم باشد ولی بنده تصور
 میکنم که اینقانون بتهنئه نمیتواند کاملاً شامل دعوی و
 مطالبات دولت بر مردم و مردم بر دولت واقع شود برای
 اینکه آن يك جریان دیگری است که جریانات ادارات
 و وزارتخانهها و مطالبات دولت بر مردم ترتیبی دارد که
 نمیشود تطبیق کرد با دعوی مردم بر مردم عرضحالتش
 چطور باید داده شود کمیسیونش چطور باید تعیین شود
 و چطور باید رسیدگی شود اینها همه فرق دارد از این
 جهت بنده این پیشنهاد را کردم و لازم دیدم که وزیر
 محترم عدلیه را متذکر بکنم و در مجلس هم تذکار داده
 شود که اینقانون نمیشود شامل دعوی دولت بر مردم
 و مردم بدولت واقع شود . این بود نظر بنده و توضیحی
 که آقای وزیر عدلیه در جواب پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب
 دادند بنده را قانع کرد و مسترد میدارم و واقعاً اگر
 چنانچه توضیح همین است که يك قانون دیگری تقدیم
 مجلس خواهد شد برای تعیین تکالیف دعوی دولت بر مردم
 و مردم بر دولت که بنده مسترد میدارم و الا بنده
 بنظر مجلس است

وزیر عدلیه - عرض کنم که توضیح همان است که
 بنده عرض کردم ولیکن چون میترسم توضیحی را که آقا دادند

اسباب زحمت بشود لذا عرض میکنم آنقسمت از دعاوی بین افراد دولت که مطابق قانون میآید به عدلیه تابع همین قانون مرور زمان است و آن قسمتی که در محاکم اداری است مربوط باین نیست و مطابق يك قانونی که مربوط باین کار است و بعد تهیه و تقدیم خواهد شد این نظر تأمین میشود.

ضیاء - مسترد میدارم

رئیس - ماده دهم مطرح است (این قسم قرائت شد)

ماده ۱۰ - این قانون از تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۰۸ بموقع اجرا گذاشته میشود

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی - بنده با این ماده مخالف هستم زیرا در کیسیون قبلا مهود بود که آقای وزیر عدلیه فکری برای اجرای این قانون بکنند يك ماده پیشنهاد بکنند و مشکلی که ما داریم حل بشود و آن مشکل مشکلی است که آقای فولادوند هم تذکر دادند مطلب از نقطه نظری که خودتان فرمودید صحیح است. مملکت دارای تشکیلات قضائی هست منتهی در يك نقطه تشکیلاتش وسیع است و در دسترس همه هست و در بعضی نقاط نیست ولی رقم ضمیمه از مردم نخواهد شد. بنده عرض میکنم کدام قانون عدالت آمیزی میتواند بگوید برای دعوی پنجاه تومانی يك نفر از چهارم بیاید بشیراز اقامه دعوی بکنند و این قانون هم از پانزدهم تیر مجری میشود و اگر يك دعوی متراکم شده و مانده است مردم قطعاً نخواهند توانست بحق خود برسند نظایر هم خیلی دارد الان شما در بجنورد که يك وکیل میدهد موفق نشده اید که يك محکمه صلحیه درست کنید یا يك محکمه ابتدائی داشته باشید از آخر خاک بجنورد که سمرغان باشد که بکجائی است تا قوچان فرسخها راه است فرض کنید از سمرغان برای يك دعوی پنجاه شصت تومانی باید بیاید تا قوچان معلوم کنید تکلیف این شخص چیست اگر تا فلان تاریخ عرضحال ندهد که حقش ساقط است یا مثلاً از ما کو و آن نقاط سرحدی ما کو میگوئیم

رئیس - آقای افسر

اگر برای مبلغ کمی آمدی به خوی که بدعوی نور-بدکی میشود اگر نیامدی حق تو ساقط میشود و بالاخره نظیر این در مملکت زیاد است و نمیخواهم عرض کنم و تصور میکنم که آقای وزیر عدلیه موافقت بکنند با آن پیشنهادی که بنده میکنم که وزیر عدلیه در هر حوزه قضائی که مقتضی میدانند این قانون را اجرا بکنند خود وزارت عدلیه نگاه بکند ما نمیخواهیم بگوئیم کجای مملکت تشکیلاتش ناقص است و کجا نیست همینقدر وقتی مقتضی دید مثلا در بلوچستان اعلان بکنند یا در نقطه دیگر. این پیشنهاد بنده است اگر موافقت کردند کردند آنگاه بنده با این ماده مخالفم.

وزیر عدلیه - بنده این را میدانم يك کسی که يك مشکلی را دارد و وقتی تذکر میدهد این را نباید آمد و باصرار و ابرام باو تحمیل کرد بنده عرض میکنم وقتی مشکلی با به من تذکر دادند سعی میکنم که آن را حل کنم بنابر این عرض میکنم توجه آقایان باین موضوع يك توجه بخار صحیحی است مشکل هم هست ولی همانطوری که عرض کرد بگذارید بگذردی با فکر این موضوع درست بشود وقتی که قانون مرور زمان بگذرد ما اگر يك ترتیبی دادیم از برای اینکه نزدیکتر بکنیم محاکم را بمردم که آنوقت هیچ اشکال باقی نماند دو سال هم وقت داریم فرض بفرمائید اگر یکسال هم گذشت باز یکسال دیگر وقت داریم اگر هم نتوانستیم آنوقت باید يك قانون بچته زری و بهتری درست بکنیم و این مشکل را حل بکنیم خوبست عجاله موافقت بفرمائید این قانون بگذرد بنده هم اینجا هستم آقایان هم هستند تصور میکنم قانونش که گذشت يك راه حل برای این مشکل پیدا میکنیم

رئیس - آقای افسر

افسر - علی ای حال آنروزی که این قانون مطرح بود مهود این بود که یکماه مهلت داده شود و آنروزی که مطرح بود اواسط خرداد بود و قرار بود که پانزدهم تیر اجرا شود ولی الان يك مدتی گذشته است و الان سوم تیر

است و آن منظور یعنی مهلت دادن بمردم درست تأمین نمیشود بنا بر این خوبست بگذردی مدت را زیادتر کنیم و پیشنهاد میکنم که از پانزدهم مرداد این قانون بموقع اجرا گذارده شود که آن نظری که در کیسیون بود (که لااقل یکماهه فاصله داشته باشد) تأمین شود.

وزیر عدلیه اولاً آنروزی که نماینده محترم میفرمائید در کیسیون در حضور خود آقا حساب کردیم و حساب جلسه مجلس را هم کردیم که جلسه مجلس بعد از تعطیل محرم چه روزی خواهد بود تخمیناً حساب کردیم امروز هم جلسه است حساب کردیم باز هشت نهر روز فاصله داریم تا پانزدهم تیر یعنی امروز دوم تیر است و تا پانزدهم تیر سیزده روز دیگر داریم حسابان هم چندان فرقی نکرده.

افسر - چرا فرق کرده است.

وزیر عدلیه - بعلاوه ما دو سال مهلت میدهیم دیگر لازم نیست شما يك مهلت دیگری هم باو بدهید و برای ده دوازده روز اینقدر صحبت کنیم.

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم که آن مذاکراتی که آقای فولادوند کردند و آقای یاسائی هم نمایند فرمودند بنده کاملاً صحیح میدانم و آقای وزیر عدلیه خودشان در محل دچار اشکال خواهند شد در جاهائی که نه محاکم صلحیه است و نه از اصول قضاوت خبری هست و نظائر هم خیلی دارد که نمیخواهم عرض کنم و تکرار کنم چه بد کرد از آنطرف هم نمیشود گفت قانون در جائی اجرا بشود و در جای دیگر نشود بنا بر این بنده عقیده دارم که موافقت بفرمائید لااقل در جاهائی که محاکم است این قانون شامل بشود. بعد اگر در ظرف این سال توانستند و موفق شدند و حوزه های قضائی را بط دادند که البته این منظور تأمین میشود و بعلاوه هم در ظرف این دو سال با خبر میشوند و حششان ترضیع نمیشود و الا این از برای مردم مشکل است و آقای وزیر عدلیه از حالا يك فکری بکنند و يك راه

حلی در نظر بگیرند یا ممکن است بر گردد به کیسیون و در آنجا يك ترتیبی قرار دهند که حقوق مردم زیاد تضییع نشود و الا خود بنده از طرفداران این قانون هستم حتی بیش از همه هم امیدوارم که این قانون در تمام مملکت اجرا شود. ولی اینکه بالاخره حقوق مردم بواسطه نبودن محاکم و صلحیه تضییع شود این خوب نیست

وزیر عدلیه - بنده خیلی متأسفم که دلایل آقا هم بالاخره بنده را نتوانست متقاعد بکند و متقاعد هم نکرد بنده عرض میکنم که این مسئله را تذکر دادند در کیسیون بنده هم تصدیق کردم اینجا هم سر بسته گفتم حالا هم عرض میکنم بایشان که بی مشکل است ولیکن عجله هم در حل يك قضائاتی که هر قدر در آن بیشتر فکر بشود بهتر است. خوب نیست از آنطرف هم این را تصدیق بفرمائید که بنده وقتی گفتم مطالعه میکنم از آن مطالعه چهها نیستم که بروم دو سال مطالعه کنم خیر يك مدت قلبی را به بنده فرجه بدهید که بنده راه حلی پیدا بکنم و تقدیم مجلس بکنم تا اساساً معلوم شود که تلف و ترتیب مرور زمانش چیست

روحی - بسیار خوب کافی است آقا.

رئیس -- پیشنهاد آقای یاسائی قرائت میشود (باین قسم خوانده شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی - بنده پیشنهاد میکنم ماده دهم باین نحو اصلاح شود

ماده دهم - این قانون از تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۰۸ در هر حوزه قضائی که وزارت عدلیه مقتضی بداند بموقع اجرا گذاشته میشود

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده میخواهم يك عرضی بکنم و البته به آقای وزیر عدلیه بر نخورد و زرای سابق مسا بگذردی تراکت ماپ بودند و مجلس و محط را هم میخواهند عادت بدهند به تراکت مآی ولی زرای

جوان حالای ما که اینکار را نباید بکنند. بنده عرض میکنم در تمام حوزه فارس يك ابدایت که بیشتر نیست و بهمان دقت که مأمور انحصار مالیه میروند و از جهتم مالیات میگیرند اگر يك عرضحالی هم داشت باید يك کسی باشد که عرضحال او را قبول کند اما حالا که میخواهیم يك ارفاقهایی بکنیم بیاییم يك قانونی هم بگذاریم که اگر تا فلان تاریخ آمدی و عرضحال دادی دادی و الا حقت ساقط میشود؟! بالاخره بنده وقتی که پیشنهاد میکنم میگویم نظر خودتان مدخلیت داده میشود. مثلاً در قراچه داغ که هیچجده محل است شما چه تشکیلاتی دارید يك صلحیه هم ندارید و بالاخره مکلف کردن تمام مردمان ضعیف پریشان که معاملاتشان در حدود صد تومان و پنجاه تومان است بیایند به تبریز این عملی نیست و بعقیده بنده يك ظلمی است ما که عدلیه را فقط برای اغتیا تشکیل نداده ایم فقط برای دعوی صد هزار تومان دوست هزار تومان تشکیل نداده ایم بالاخره این عدلیه برای همه مردم است البته این را هم تصدیق میکنم که شما محظورات زیاد دارید قاضی کم دارید اعتبارات مالیات کم است اینها همه است ولی ما صبر میکنیم که انشاء الله موفق بشوید قاضی از کلاس قضائی در بیاید تشکیلاتی بدهید و در نقاطی که محکمه نیست محکمه معین کنید ولی حالا لزومی ندارد که ما يك همچو قانونی را وضع میکنیم و حق يك قسمت از مملکت را بواسطه این قانون اسقاط کنیم بنده هم پیشنهاد این است که بنظر خودتان باشد بگوئیم در کجا تشکیلات دارید در کجا ندارید در قانون هم يك همچو چیزهایی نمیویسم مینویسیم هر جا که شما مقتضی میدانید و در هر حوزه قضائی که وضعیت عادی دارد و وضعیت فوق العاده ندارد در آنجا ها اعلان بکنید ولی در جاهائی که دسترس بمحاکم ندارند یا وضعیتشان عادی نیست بعقیده بنده گذراندن این قانون کار خوبی نیست شما میفرمائید حالا این قانون را ما میگذاریم پنجسال بعد ما هم نقض میکنیم مقصودتان این است وقتی که دیدیم موفق نمی شویم تشکیلات قضائی بدهیم و محاکم

کوچک بشود آنوقت می آئیم قانون را نقض میکنیم بنده عرض میکنم چه لزومی دارد که ما حالا يك قانونی را وضع کنیم بيك ترتیبی بعد مجبور شویم آنرا نقض کنیم شما اگر موفق شدید که در جیرفت کرمان يك تشکیلاتی بدهید بالاخره آنجا هم اعلان بکنید که از تاریخ که صلحیه در جیرفت ورود بار هست این قانون هم اجرا میشود ولی اگر شما موفق نشدید و بنده بقیه دارم که باین زودبها هم موفق نخواهید شد چون این روبرو که محکمه انتظامی در پیش گرفته است دیگر قاضی برای نان باقی نخواهد گذاشت این جوانهایی هم که بیرون می آیند به جیرفت ورود بار برو نیستند بنده عقیده ام این است که این ترتیب اگر قانون بگذرد اسباب زحمت است ولی بالاخره چون بنده يك مخالفت جدی همیشه میخواهم بانظرات شما بکنم استقامتی هم در پیشنهاد نمی کنم.

وزیر عدلیه - بنده میخواهم آقایان محترم خصوصاً خود نماینده محترم آقای یاسائی را متوجه باین مسئله بکنم که این نقاطی که میفرمائید دور هستند از محاکم اینها هم اشکالشان که در قانون مرور زمان نیست راجع به اصل دعوی شان هم همین اشکال هست بنده که میگویم مأمور اینکار هستم نه از نقطه نظر این است که بخوانم يك حرفی زده باشم بنده يك فکری که موقتا ما را تا چند سال تا دو سه سال دیگر که بتواند کلاس های قضائی و مدرسه حقوق برای ما شاگرد و آدم بیرون بدهد که بتوانیم اشخاصی را با رتبه های قضائی داخل در کار بکنیم و با کمال دقت و فکر مشغول تهیه و تنظیم يك لایحه هستیم که اصلاً تکلیف دعاری مردم را در این نقاط معلوم کرده باشیم و اینکه فرمودید پنجسال دیگر مقصود است خیر مقصود بنده این اندازه نیست بنده تا شش ماه هفت ماه دیگر يك لایحه می آورم بالاخره يك راه حلی را باید پیدا کرد تنها صحبت این نیست که ما بگوئیم اگر يك مدتی گذشت کسی کوشش بدعوی او نخواهد داد خیر بنده میگویم صرف نظر

موضوع مرور زمان این شخص محتاج باین است که اصلاً يك محکمه در دسترس باشد و يك جائی باشد که عرضحال را بدهد تکلیف اینکار را ما زود تعیین میکنیم يك لایحه حاضر میکنم در ضمن آن مسئله مرور زمان درست میشود ولی چون میخواهم اینکار يك کار بخته تری باشد این است که بکفدری بیشتر باید درس دقت بشود اگر جنابعالی دیدید که يك چند ماهی گذشت و چنین چیزی نیامد و راه حلی پیدا نشد آنوقت ممکن است راه حلی پیدا کرد بنده هم که تا شما يك اختلافی در اصل قضیه و راه حل پیدا کردن نداریم آنوقت اگر دیدیم آن نقشه که بنده در نظر دارم قابل اجرا نیست و نمی توانم آن را اجرا کنم يك ماده بنده میآورم که این پیشنهاد شما را هم تأمین بکند. حالا چون دو سال وقت هست در این شش ماه اسباب زحمت کسی نخواهد شد پس بنا بر این حالا خوب نیست که بيك فورمولها و يك صورتهائی قضیه را بگذاریم. بگذاریم در همان وقتی که راه حلی برای رسیدگی بدعاری مردمی که از محاکم دور هستند پیدا میکنم (و قطعاً هم بایستی پیدا کنیم) در آن ضمن هم موضوع مرور زمان حل میشود یاسائی - بنده استرداد میکنم.

وزیر عدلیه - خبیلی ممنون شدم.

رئیس - پیشنهاد آقای افسر

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم از ۱۵ مرداد بموقع اجراء گذاشته شود.

رئیس - آقای افسر

افسر - بنده توضیح زیادی ندارم در این مدت بهیچ وجه عملی نیست و احتمال میدهم در چهل و پنجروز به نقاط مملکت برسد باین جهت پیشنهاد کردم که بازدم مرداد باشد

مخبر - بسته بنظر مجلس است

رئیس - رای میگیریم بمقابل توجه بودن پیشنهاد آقای افسر. آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. رای میگیریم بماده دوم آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. مذاکره در کلیات است آقای زوار

زوار - موافقم

جمعی از نمایندگان - مخالفی نیست.

رئیس - رای گرفته میشود بقانون مرور زمان (ده ماده) آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای وزیر معارف

۴ - تقدیم لایحه راجع بمحصلین اعزازی

وزیر معارف - این لایحه راجع به حاصلین اعزازی است (بکنفر از نمایندگان - بلندتر) حضور آقایان عرض شده است که لایحه تنظیم شده است راجع به محصلین اعزازی که صدی نیست از حاصلین اعزازی ما بین محصلینی که در اروپا تحصیل میکنند و مدرسه متوسطه را تمام کرده اند یا اینکه در دارالفنون تحصیل میکنند انتخاب شوند. حضور آقایان پیشنهاد میشود و چون فوریت هم دارد و مسابقه هم در پنجم تیر شروع میشود نمی میکنم بقید دو فوریت این لایحه قبول شود

۵ - تقدیم لایحه اعزام محصل برای فرا گرفتن

فنون راه آهن

وزیر فوائد عامه - برای اینکه رفع احتیاجات مملکت از اشخاص خارجی برای اداره کردن راه آهن بشود دولت در نظر گرفته است که برای یکسال سه نفر بادارات راه آهن آلمان بفرستد که در قسمت های مختلف کار بکنند و یاد بگیرند این يك لایحه است که تقدیم می شود.

شور اول عهدنامه ایران و فرانسه

رئیس - عرض کنم يك چیز خیلی کوچکی داریم و ضرور است که همین حالا مذاکره بشود برای خاطراین که تمام عهدنامه ها مان يك شور شده است و يك عهدنامه داریم که هنوز شور نشده است و رعایت بین الشورین هم برای ما لازم است اگر مقتضی میدانید عهدنامه ایران و فرانسه مطرح شود بعد جلسه ختم شود.

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - خیر کمیسیون خارجه مطرح است

(بشرح ذیل قرائت شد)

خبر از کمیسیون امور خارجه بمجلس مقدس شورای ملی کمیسیون امور خارجه لایحه نمره ۳۱۴۹ دولت را راجع به عهدنامه مودت بین ایران و فرانسه که مشتمل بر شش ماده و يك پرتکل بود در جلسه ۱۴ خرداد ۱۳۰۸ تحت شور در آورده و نسبت بان اعتراضی نداشته آنرا تصویب و اینک ماده واحده ذیل را برای تصویب بساحت مقدس مجلس شورای ملی تقدیم میدارد

مادر واحده - مجلس شورای ملی عهدنامه مودت بین دولتین ایران و فرانسه مورخه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۸ که متضمن شش ماده و يك پرتکل اختتامیه میباشد تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آنرا بدولت میدهد

رئیس - شور اول عهدنامه بین دولتین ایران و فرانسه مطرح است. مذاکره در کلیات است اعتراضی نرسیده است. رای میگیریم به ورود در مواد آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. در ماده يك و دو سه و چهار اعتراضی نرسیده است در ماده پنج اعتراضی از آقای آقاسید یعقوب رسیده است قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

مقام محترم ریاست

بعنوان ارجاع بکمیسیون در عهدنامه ایران و فرانسه

در موضوع تحقیق ماده پنجم و رجوع بدیوان داری اعتراض دارم زیرا دولت مشروطه هنوز دیوان داری را قبول نکرده است باید از مجلس قبلا اجازه مبادله قرارداد داده شود سپس رجوع شود به دیوان برای خواستن حکم بعقوب الموسوی

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بله همینجوری که تقاضا کردم برای شور نانی بنده خودم در کمیسیون حاضر میشوم آقای کفیل هم تشریف دارند آنجا بیان خودم را عرض می کنم.

رئیس - اعتراضتان را تعلیق میکنید؟ عقب میاندازد!

آقا سید یعقوب - ای

رئیس - در ماده شش و پروتکل اعتراضی نرسیده است رای میگیریم ب ورود در شور نانی آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد

(۷) ختم جلسه و موقع جلسه آئینه

رئیس - اگر اجازه فرمایند جلسه را ختم کنیم جلسه آینده پنجشنبه ششم تیر سه ساعت قبل از ظهر بعضی از نمایندگان - سه شنبه.

روحی - همان پنجشنبه

رئیس - در نظر بود که یکشنبه بکنیم برای اینکه فاصله بین الشورین ها هم گذشته باشد و چون آقای وزیر داخله و آقای رئیس صحبه هم از طرفی مسافرنند و ما قدری به بیشتر از این مقدار زمان احتیاج داریم به پنجشنبه محول میکنیم این است که خوبست موافقت فرمایند همان روز پنجشنبه باشد

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر